

وال استریت جورنال بدنبال چیست؟

مقاله آقای پیتروالدمن در وال استریت جورنال تحت عنوان «نیروهای تحلیل رونده» که در شماره ۲۱ ایران زمین چاپ شد حاوی نکات متعددی است. اما قبل از آنکه این نکات مهم و قابل بحث باشد، شرایطی که تحت آن این مقاله منتشر می‌شود، قابل تأمل است. پیتروالدمن بشابه یک روزنامه‌نگار زبردست و البته جانبدار، از آنجا که به حکم غریزه منافع معینی که بدنبال آنست صلاح نمی‌داند و البته نمی‌تواند شرایط کنونی حاکم بر جامعه ایران را مطلوب نشان دهد، صلاح می‌داند که آینده را هرچه تیره‌تر و مغشوش‌تر نشان دهد. او برای استفاده از همه‌ی عناصری که در یک فضای هوچی‌گری می‌تواند به پیشرفت نظرات او کمک کند، بطور زیرکانه از دو مقوله شکم و زیرشکم برای چاشنی مقاله‌اش و برای

تحریک عقب‌افتاده ترین و پوسیده‌ترین افکار استفاده می‌کند. اگر به مطالبی که بابت زیرشکم نوشته کاری نداشته باشیم نمی‌توانیم از اظهار تعجب و غیرعادی تلقی کردن اینکه او «در ضیافتی با میوه‌های تازه، گوشت و دو نوع ماهی» مورد پذیرایی از طرف مقاومت قرار گرفته، شگفت‌زده نشویم. با اینحال و با اغماض از این دو نکته بسیار سطحی و طبعاً آخوند پسند، مقاله جنجالی آقای پیتروالدمن در وال استریت‌جورنال منتشر شده و پاسخ مطالب آن نیز در ایران‌زمین چاپ شده است. من در اینجا می‌خواهم به این سوال جواب دهم که به حکم کدام منافع و تحت چه شرایطی این مقاله انتشار می‌یابد.

بقیه در صفحه ۲

پاسخ مسئول شورای ملی مقاومت ایران به سوال خبرگزاری آسوشیتدپرس پیرامون نامه دیده بان حقوق بشر در خاورمیانه

آقای مسعود رجوی در پاسخ به سوال خبرنگار آسوشیتدپرس می‌گوید:

«من هم اکنون از خبر خبرگزاری رژیم ملایان در این رابطه مطلع شدم و شخصاً تا این لحظه نامه مورد اشاره دیده‌بان حقوق بشر خاورمیانه را که به تاریخ دیروز (۶ اکتبر) است، دریافت نکرده‌ام. این که نامی که مخاطبش من هستم و هنوز آن را دریافت نکرده‌ام، یک روز قبل، اولین بار توسط خبرگزاری رژیم خمینی منتشر می‌شود، به وضوح حاکی از مشکوک بودن قضیه و هدفهای سیاسی پشت آن است. فکر می‌کنم که موضوع از این جا سرچشمه می‌گیرد که اداه دهندگان خط ایران‌گیت در وزارت خارجه امریکا و کسانی که دیکتاتوری تروریستی و مذهبی حاکم بر ایران را یک پدیده دائمی توصیف می‌کنند و آن را دارای ریشه های عمیق می‌دانند، در این ایام در برابر موضعگیری ۹۸ نماینده کنگره و ۱۲ سناتور، به هر وسیله‌یی علیه مقاومت عادلانه مردم ایران صلح و دمکراسی متوسل می‌شوند. در صفحه ۷

بحران کوبا پرده دوم جنگ سرد

دولت و مردم کوبا یکی از دشوارترین ادوار تاریخ حیات خود را می‌گذرانند. امری که بی‌شک پس از فروپاشی اتحاد شوروی قابل پیش‌بینی بود. اتکای روزافزون دولت به کمکهای اقتصادی کشورهای «برادر» و اعتقاد خوشبایرانه به ادامه نامحدود شرایطی که مسئولیت تغییر ساختار اقتصاد تک محصولی و عقیم به روابط نوین و متکی بر پیش درونی روابط اجتماعی را از دوش رهبران کوبا بر می‌داشت، سرانجام به بحرانی انجامید که پیامدهای آن اکنون دستاوردهای انقلاب ژانویه ۱۹۶۰ را یکسره در معرض خطر قرار داده است. کوبا، مستعمره سابق امریکا، در نتیجه قیام «سیراماسترا» استقلال سیاسی از دست رفته خود را به کف آورد. در عرض ده سال دارای فراگیرترین سیستم آموزش و بهداشت در جهان سوم شد و دهها هزار نیروی آموزش دیده نظامی و غیر نظامی آن به منظور کمک در سه قاره مشغول به کار بودند. حیات خلوت و عشرتکده امریکایی‌ها به کانون امید و تلاش برای برپایی جامعه‌ای متفاوت و انسانی تبدیل گردید که میلیون ها نفر در سراسر جهان ایده آلهای خود را در آن باز می‌یافتند.

در صفحه ۵

پنجاه سال کافیت

اجلاس سالانه صندوق بین‌الملل پول و بانک جهانی در مادرید در صفحه ۴

در حاشیه غروب

اسماعیل وفا یغمایی

در صفحه ۹

زنان و گاوها

نوشته تسلیمه نسرین در صفحه ۹

آیا «دیده بان حقوق بشر» یک سازمان بی طرف است

ازگات تا نفتا و بحران های بین المللی (۳)

در صفحه ۶

نقش زنان در دولت و مجلس سوئد

برای نخستین بار در تاریخ جهان دولتی تشکیل شده که بیشتر وزیران آن زن هستند و مردان در اقلیت قرار گرفته‌اند. روز ۱۵ مهر ۷۳ دولت جدید سوئد شامل ۱۱ زن و ۱۰ مرد معرفی شد. معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه از جمله زنانی هستند که دولت جدید سوئد را تشکیل می‌دهند. در پارلمان سوئد نیز پس از انتخابات اخیر ۴۱ درصد کرسیهای نمایندگی را زنان در اختیار گرفته‌اند.

در این شماره

- * سیمای بنیادگرایان اسلامی در الجزایر
- * جنایت بنیادگرایان در مصر
- * تهاجم تروریستی به قرارگاه اشرف
- * جنایت تروریستی رژیم
- * تخریب روستاهای کردستان ایران
- * اعتراض سینماگران ایرانی
- * حرفهای شنیدنی در باره ماهواره
- * جاسوختخانه رژیم در آلمان
- * جایزه صلح نوبل

کنسرت مرضیه

بانوی بزرگ آواز و موسیقی ایران

به همراهی ارکستر سفونیک به رهبری محمد شمس

یکشنبه ۴ دسامبر ۱۹۹۴

کاخ کنگره های پاریس

وال استریت جورنال بدنال چیست؟

از صفحه ۱

برای کسانی که با کلی‌ترین جبهه‌بندیهای درون جامعه آمریکا و در هیئت حاکمه و طبقه حاکم آن آشنایی دارند، روشن شده که تقسیم‌بندی دمکرات و جمهوری‌خواه، نمیتواند روشن‌گر کلی‌ترین جبهه‌بندی در درون طبقه حاکم باشد و اینجا و آنجا علائم و شواهدی بروز می‌کند، که نمیتواند بسیاری از مسائل را بر طبق این تقسیم‌بندی توضیح دهد. اما تقسیم‌بندی کلی‌تر و واقعی‌تر نیز وجود دارد، که جریان‌ات نفتی - تسلیحاتی را از جریان‌ات غیر آن جدا می‌کند. برای من اکنون توضیح و شرح این دو جریان مد نظر نیست، بلکه تعقیب خط ایران گیت بعنوان نمونه‌ای از عملکرد جریان نفتی - تسلیحاتی در لحظه کنونی است. برای کسانی که جریان ایران گیت را دنبال کرده‌اند، روشن است که چه ارتباط عملی و چه همسوئی روشنی بین جریان نفتی - تسلیحاتی در آمریکا، بنیادگرایان حاکم بر ایران و جریان راست افراطی در اسرائیل و بسیاری دیگر از دیکتاتورهای موجود در منطقه وجود داشت. آنچه فصل مشترک تمام این انواع بنیادگراها بود، بحران‌زایی، جنگ‌افروزی و دامن‌زدن به اختلافات مذهبی، فرقه‌ای و قبیله‌ای بود. در آن زمان قهرمان این ماجراها خمینی بود. جنگ فقط مرهبتی برای خمینی نبود. گرچه او بیشترین استفاده را برای حفظ حکومت ارتجاعی‌اش از جنگ نمود. اما این جنگ ضمناً جریان‌ات راست افراطی در اسرائیل و در منطقه خاورمیانه را تقویت و مهم‌تر از همه منافع سرشاری برای کمپانیهای تسلیحاتی و نفتی بوجود آورد. اما این کمپانیها و روزنامه‌های مدافع آن هیچگاه به صراحت بدین امر اعتراف نمی‌کنند. برعکس عملیات ننگین خود همچون ایران گیت را تحت پوشش‌های مختلف و ظاهرینند، انجام می‌دهند. در آن هنگام که ماجرای ایران گیت اتفاق افتاد، طراحان این ماجرا در هیئت حاکمه آمریکا نمیتوانستند صریحاً اعلام کنند که با یک رژیم ارتجاعی، جنگ‌افروز، ضد مردم و ضد بشر وارد معامله شده‌اند، آنان برای توجیه عمل خود، پوشش «مناسبی» را «کشف» کردند که گویا جریان مدره‌ای در درون حکومت اسلامی وجود دارد که باید آنرا تقویت کرد. وال استریت جورنال و یا کریستین‌سایزمانیتور و امثالهم در آن زمان به توهم کشف مدره‌ها و جریان استحاله رژیم بسیار دامن می‌زدند. امروز اما با گذشت زمان و آشکار شدن آن ماجرا و روی آب آمدن فضولات آن افتضاح تاریخی، یک چیز تغییر نکرده و آن منافع جریان مدافع ایران گیت است. بسیاری از کارکنان و فرماندهان آن عملیات مفتضح که مزین به کیک، اسلحه و انجیل بود، امروز با سیمای دیگری، بدنال همان منافع هستند با این تفاوت که پوشش قبلی از مد افتاده و بنجل از آب

درآمده که هیچکس را نمی‌فریبد. اگر در توفان تبلیغاتی آنروز، آنچنان کفی بپا شده بود که چشمان بعضی‌ها را برای دیدن واقعیت امر کور کرده بود، امروز حجاب آن کفها ترکیده و کسی که ایران‌گیتی‌ها می‌خواستند او را سمبل مدره‌های ایران جا بزنند، سکه یک پول شده است. حجت‌السلام‌والمسلمین علی اکبرهاشمی رفسنجانی با همه کبکبه و دبدبه‌ای که ساخته و پرداخته محافل مدافع ایران گیت بود، امروز مثل برف آخر زمستان دارد آب می‌شود. پهلوان‌پنبه استحاله دیروز، امروز قهرمان سرکوب و فرمانده عالی عملیات تروریستی در خارج از کشور شده و هیچ جاذبه دندان‌گیری برای مدافعین و طراحان ایران گیت ندارد، همچنین مدافعین دیروز استحاله، امروز یا شرم‌زده گوشه‌ای گزیده و یا وقیحانه از تئوری خاموش کردن و جلوگیری کردن از شورش‌های خودبخودی مردم دم می‌زنند. بنابراین توهم استحاله و تقویت جریان مدره امروز کالایی نیست که حتی در بازار دست دوم هم خریداری داشته باشد و مدت‌هاست که در سطل آشغال ریخته شده است. در آن موقع نیز خود طراحان ایران گیت می‌دانستند که دامن‌زدن به توهم استحاله و تقویت مدره‌ها، پوشش سیاسی کاری بود که منجر به خرید ارزان نفت از منطقه و فروش تسلیحات مختلف به کشورهای صاحب نفت می‌شد. توهم استحاله و تقویت مدره‌ها، اسم مستعار موادی بود که چرخ کارخانجات تسلیحاتی را بهتر به گردش درمی‌آورد و اجناس بنجل و یا از رده خارج شده کمپانیهای تسلیحاتی را در نقاط مختلف کشورهای عقب‌افتاده و در حال توسعه، آب می‌کرد و البته به زعم قلبی آنان چه باک که میلیونها انسان در این میان مثله و قربانی شوند و مگر در اساطیر گذشته برای تمام بدیها سبب خلق کرده بودند که امروز خدای پول برای هستی ناپاک خود، توضیحی در خور شأن دهد. پس امروز که توهم استحاله از رده خارج شده و مهر باطل شده خورده است، چگونه باید تنور جنگها را گرم نگهداشت و چگونه باید نفت ارزان بدست آورد؟ امروز از چه راهی و با کمک چه نیروهایی میتوان به همه جنگهای مذهبی، فرقه‌ای، طایفه‌ای، قبیله‌ای و... دامن زد. برای آنان که بدنال پیدا کردن پوشش عملیات ننگین از نوع ایران گیت هستند، همیشه راحت است که پوشش مناسب و مدروز را پیدا کنند. امثال آقای پیتروالدمن که میتواند در رستوران ماکسیم پاریس و یا جایی مشابه آن بدون هیچگونه دغدغه و نگرانی به راحتی به حرفهای آدمهایی که به توجیه رفتار بنیادگراها و دیکتاتورها می‌پردازند گوش دهد، یکباره از اینکه «دو نوع ماهی» می‌خورد، دچار «اضطراب» و «تشویش» می‌شود. آخر برای بعضی جریان‌ات اجتماعی وجدان نیز قابلیت ماشینی شدن دارد و

میتواند بستگی به فرمان و فرمان دهنده، تغییر کند. سوماتی را فراموش نکرده‌ایم، قبل از جابجایی دولت در آمریکا، دولت قبلی که از طراحان ماجرای ایران گیت بود، سوماتی را روی دست دولت جدید گذاشت. بدنال این و برای این اقدام چه مقالات «زیبا»، «پرمغز» در فوائد رعایت حق «انسانی» نوشته شد. اما در عمل جای پای کمپانیهای نفتی در سوماتی سفت‌تر شد. امروز اما اخبار سوماتی و اخبار شکم گرسنه مردم و رفتار حکومتش، جای جدی در مطبوعاتی از نوع وال استریت جورنال ندارد. میتوان مثال‌های زیادی زد. مثلاً میتوان از نقش آقای جرج بوش در این کمپانیهای نفتی صحبت کرد و چرا جرج بوش و نه آقای مک‌کین، یکی از سرسخت‌ترین مدافعین رژیم آخوندی در ایران و طبعاً یکی از بلندپایگان کمپانیهای نفتی. افراد آقای مک‌کین و شرکاء در خلیج فارس نفت ارزان از رژیم درمانده آخوندی می‌خرند و همانجا آنرا با قیمت مناسب آب می‌کنند، اما به مقداری که در این معامله نامشروع سود برده‌اند، در سنای آمریکا، فقط چند جمله علیه مقاومت می‌نویسند و آنرا تحویل آخوندها می‌دهند و نیاز دو طرف معامله برطرف می‌شود. امروز پوشش مناسب برای اجرای عملیاتی از نوع ایران گیت این است. امروز هیچ آدم عاقلی از نوع مک‌کین و یا پیتروالدمن و یا گردانندگان روزنامه‌هایی مثل وال استریت جورنال خود را برای استحاله رژیم به آب و آتش نمی‌زند. امروز پوشش عملیات ننگین برای خرید نفت ارزان و فروش هرچه بیشتر تسلیحات، حمله به مقاومتی است که علیه یک رژیم ارتجاعی و تروریست مبارزه می‌کند. تردیدی نیست که این مقاومت با همه اصالت خود، هیچگاه مدعی نشده که مبری از هر خطایی بوده است. اما به یک اصل و یک پرنسیب همواره پافشاری کرده و پافشاری خواهد کرد و آن اینکه حکومت دیکتاتوری مذهبی باید برود و دمکراسی باید در ایران مستقر شود. اگر عذاب گناه پافشاری بر این اصل و خواست دمکراسی برای آینده ایران، اینست که ایران گیتی‌ها در اشکال مختلف سناریو کیک، اسلحه و انجیل را تکرار کنند و مردم رنج و سختی مبارزه علیه رژیم را دو چندان تحمل کنند، چه باک، زیرا با تاکید بر این اصل که مردم ایران تعیین کننده هر تحول دمکراتیک در جامعه هستند، تردیدی نیست که در جهان ما و در آمریکا بعنوان بخشی از این جهان در میان مردم، و جریان‌ات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دست اندرکاران حکومت و طبقه حاکم نیروهای بسیاری هستند که با ما همسو و از ما حمایت می‌کنند.

اخبار و رویدادها

جاسوسخانه رژیم در آلمان

رادیو آلمان ۱۶/۷/۷۳. «طبق گزارش هفته نامه آلمانی اشپیکل چاپ هامبورگ، جمهوری اسلامی سفارتخانه خود در بن را از سالها پیش به مرکز فعالیتهای امنیتی این کشور در اروپا مبدل ساخته است. طبق این گزارش سفارت ایران در آلمان در چند سوء قصد علیه مخالفین رژیم این کشور دخالت داشته است. در گزارش اداره ضد جاسوسی آلمان دقیقاً توضیح داده می شود که چگونه صد هزار نفر ایرانی مقیم آلمان توسط سفارت این کشور کنترل می شوند. در گزارش مزبور همچنین آمده است که چگونه سفارت ایران می کوشد به درون سازمانهای کرد نیز نفوذ کند. افزون بر این سفارت ایران می کوشد اطلاعاتی در زمینه های تکنولوژی تولید سلاحهای هسته ای، میکروبی و شیمیایی کشف کند». متن کامل این مقاله در شماره ۲۲ هفته نامه ایران زمین چاپ شده است.

سلمان رشدی

خبرگزاری رویتر در سیزده مه ماه امسال از قول وزارت خارجه آلمان اعلام کرد که «وزرای خارجه اتحادیه اروپا حاضر به ملاقات با سلمان رشدی نویسنده بریتانیایی که تحت مجازات سرگ از سوی ایران قرار دارد، می باشد. یک خانم سخنگو گفت اتحادیه اروپا تصمیم گرفته به رشدی یک دیدار با وزرای خارجه آلمان، یونان و فرانسه را پیشنهاد کند. او گفت این تصمیم به ابتکار کلموس کینکل وزیر خارجه آلمان صورت گرفته ولی جزئیات دیگری نداد. رشدی در مصاحبه ای با روزنامه تاگس سائتونگ در تاریخ ۱۴ مهر برای روز پنجشنبه گفت آمادگی اتحادیه اروپا برای دیدن وی «خبر خوبی» است.

به دنبال این تصمیم، حسین موسویان، سفیر رژیم در آلمان با ارسال نامه ای برای وزیر خارجه آلمان که ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را بعهده دارد، اعتراض شدید نموده است. همچنین وی تهدید کرده است که دعوت از رشدی بر موضع ایران و کشورهای اسلامی نسبت به ممالک اروپای غربی تأثیر منفی خواهد داشت.

جایزه صلح نوبل

جایزه صلح نوبل امسال به یاسر عرفات، شیون پرز و اسحاق رابین بطور مشترک اعطا گردید. کمیسیون جوایز نوبل اعلام کرد که سه شخصیت یاد شده در کسب توافق صلح اسلو نقش اساسی ایفا کرده اند و خاورمیانه را از مسیر جنگ و خونریزی به راه صلح و آشتی هدایت کردند.

جایزه شهامت در ژورنالیسم

رادیو آمریکا در برنامه روز ۱۹ مهر امسال اعلام کرد که سه ژورنالیست زن از هائیتی، پاکستان و آمریکا امسال جایزه شهامت در ژورنالیسم را بردند.

این جایزه همه ساله به بنیاد بین المللی زنان در رسانه ها به ژورنالیست هایی داده می شود که به سبب انجام کار در شرایط دشوار و مخاطره آمیز لیاقت و ویژگی های فوق العاده ای نشان داده اند.

حرفهای شنیدنی در مورد ماهواره

در جریان بحث پیرامون ممنوعیت استفاده از ماهواره در مجلس ارتجاع، مرجعاً نماینده آستارا در این مورد می گوید: «جلوگیری و برخورد فیزیکی در جهت استفاده از شبکه های ماهواره ای امکان پذیر نیست. چرا که ماهواره امواجی است که به دلیل رشد تکنولوژی ارتباطی به داخل منازل راه پیدا خواهد کرد... نیازی نیست که ما بیابیم آنتن های بشقابی را جمع آوری کنیم. با استفاده از یک سری دستگاهها و نصب در شیشه و یا استفاده از پرده هایی که تارو بود آن آنتن ماهواره ای است، انجام خواهد شد. ما هر موقع بتوانیم جلوی موجهای رادیوهای دیگر را بگیریم، در این صورت هم ما می توانیم موفق شویم. هر چند از نظر ما این ماهواره ها یک نوع تجاوز آشکار و نقض حاکمیت ملی کشورها به حساب می آید و همه کشورها باید چاره اندیشی نمایند».

عباس شیبانی می گوید: «شما نمی توانید جلوی ماهواره را بگیرید. شما رادیو تلویزیون خود را قوی کنید، دیگر کسی ماهواره را تماشا نمی کند. من مسلمان وقتی بفهمم که ماهواره حرام است، نگاه نمی کنم. شما، من مسلمان را درست تربیت کنید».

وی سپس افزود: «شما اگر ممنوع کنید، آنها ماهواره را طوری درست می کنند که نیاز به آنتن نداشته باشد. بی خود وقت خود را صرف این کار نکنید. دنیا می داند، جمهوری اسلامی مقابل کفر و ظلم می خواهد بایستد به همین دلیل دارند تبلیغ می کنند، ما را برگردانند. شما در اینجا ضعف دارید، می خواهید جای دیگر را درست کنید. و هی بگویید، ممنوع، ممنوع، خب جای آن چی. به نظر من این طرح بسیار مضر بود و بیشتر کسانی را جذب ماهواره کرد.» (همانجا)

جنایت تروریستی رژیم

حزب دمکرات کردستان ایران، اعلام نموده که یکی از فعالان این حزب بنام کاکابوبکر سبکتکین در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۷۳ توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی در خانه یکی از دوستانش در شهر دیانا واقع در کردستان عراق ترور گردید. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران این اقدام جنایت کارانه رژیم آخوندی را محکوم نموده و به خانواده و دوستان شهید ابوبکر سبکتکین تسلیت می گوید.

اجرای قصاص در عربستان سعودی

رادیو فرانسه در برنامه روز جمعه اول مهر امسال اعلام نمود که یک شهروند سودانی در عربستان سعودی به جرم قتل، گردن زده شد. به این ترتیب، شمار کسانی که از آغاز سال جاری سبکی در این کشور اعدام شده اند به ۳۴ نفر بالغ می گردد. اعدام افراد معمولاً در عربستان سعودی روزهای جمعه پس از انجام نماز جمعه و در ملاء عام صورت می گیرد.

تهاجم تروریستی به قرارگاه اشرف

بیست دقیقه بعد از نیمه شب روز ۲۶ مهر، مزدوران رژیم خمینی اقدام به شلیک خمپاره به قرارگاه اشرف نمودند. این تهاجم تروریستی از فاصله ۸ کیلومتری جنوب شرقی قرارگاه صورت گرفت. رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی ایران بلافاصله پس از اولین شلیک، به پاسخ متقابل پرداختند. مزدوران رژیم با به جا گذاشتن یک خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری متعلق به سپاه پاسداران، مجبور به فرار شدند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران این اقدام تروریستی رژیم را قاطعانه محکوم می کند.

یادمان قتل عام زندانیان سیاسی ایران

روز شنبه ۱۶ مهر امسال از طرف کمیته برگزاری یادمان قتل عام زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ مراسمی در پاریس برگزار شد. در این مراسم ضمن تشریح کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی که به دستور خمینی صورت گرفت، چند برنامه هنری نیز اجرا شد. در قسمتی از این برنامه خواننده کرد ترکیه، دکترشوان تعدادی از ترانه هایش را به زبان کردی اجرا کرد.

در باره مسافرت مسعود بارزانی به تهران

روز ۲۳ مهر امسال رادیو آمریکا در بخش کردی خود مصاحبه ای با هژبر تیموریان کارشناس امور خاورمیانه داشت. وی که خود کرد است بی مقدمه گفت: «من خیلی خیلی متأسف هستم که مسعود بارزانی به تهران رفته است و با رهبران دولت ایران مذاکره می کند. بنظر من دولت ایران یکی از کثیف ترین دشمنان خلق کرد است».

خبرنگار صدای آمریکا پرسید: «در رابطه با کردستان ایران، شنیده ام که چندین روستای کردستان در اطراف سردشت و بانه به زور کوچ داده شده اند و در همان حال یکی از رهبران احزاب کردستان عراق، به ایران سفر کرده و در عین حال به نمایندگی از سوی ملت کرد از دولت ایران تشکر کرده که به کردها کمک کرده است، نظرتان در این رابطه چیست؟

هژبر تیموریان: «من واقعاً نمی توانم فکر هم بکنم که چگونه است که یک رهبر کرد می تواند از دولت ایران تشکر کند، دولت ایران اکنون مرتباً با دولت ترکیه و سوریه مذاکره دارند که دمکراسی کردهای عراق را خفه کنند. دولت رفسنجانی واقعاً یکی از افراطی ترین دولت های دنیاست و اصلاً دشمن همه کردهاست. این واقعاً از نظر غربی ها هم که تنها محافظ خلق کرد عراق هستند این عمل بارزانی تأثیر منفی دارد. چرا که دولت ایران در تروریسم بین المللی دست دارد و این به نفع کردها نیست که با رهبران رژیم ایران دست بدهند».

پنجاه سال کافیت

مهراد قادری

در ماه اکتبر اسامال اجلاس سالانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در مادرید بعنوان یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های سالانه در جهان برگزار شد. هر سال در اجلاس این دو مرکز مهم چندین هزار نفر، متشکل از صدوشتاد وزیر اقتصاد، صدوشتاد رئیس بانک مرکزی، رؤسای بزرگترین بانکهای جهان و مؤسسات پولی خصوصی و عمومی، شرکت‌های چند ملیتی و هیئت عالی‌رتبه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، خارج از مقر دائمی‌اش (واشنگتن) به دور هم جمع می‌شوند.

مصادف بودن اجلاس اسامال در مادرید با پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری نهادهای برتون‌وودز* (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول) و برنامه تعدیل ساختاری که در راس برنامه کار این اجلاس بود به این کنفرانس اهمیت خاصی می‌داد. همزمان بیش از دوست سازمان غیر دولتی، گروه سیاسی، حزب و سندیکای کارگری و شخصیت‌های سیاسی و پژوهشگران اقتصادی به برگزاری دو گردهمایی بزرگ دیگر تحت عنوان مجمع متقابل (الترناتیو فوروم) و «پنجاه سال کافی است» اقدام کردند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران نیز به دعوت کمیته برگزار کننده کنفرانس الترناتیو فوروم در اکثر جلسات بحث و گفتگو و پلنوم‌های روزانه بصورت فعال شرکت جست. برنامه کار کنفرانس به چهار بخش اصلی شامل پلنوم‌های روزانه، گروه‌های کار، میتینگ‌های مشترک و بخش هنری تقسیم شده بود. نکته قابل توجه در روند کار کنفرانس، ترکیب شرکت کنندگان که بیش از دو هزار نفر از سراسر جهان می‌شدند، بود. شرکت شخصیت‌های علمی و اقتصاددانان مشهوری چون سمیرامین از مصر، سوزان جرج از فرانسه، ونداشیوا از هند، آندره‌گونه فرانک از هلند، مارتین‌گور از مالزی، ادوارد گلداسمیت از انگلیس، سرژاوتوش از فرانسه، موبی‌کاپوندا از زئیر، راینرولاوله از ایتالیا و بسیاری دیگر که امکان نام بردن از تمام آنان نیست به جمع الترناتیو چهره علمی و تکنولوژیک خاصی داده بود. در اینجا فقط نیتروار به ذکر دستور کار برخی از جلسات و پلنوم‌ها به شرح زیر می‌پردازم:

- ۱- تأثیرات سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر برنامه‌های بهداشت،
- ۲- فقر در جهان اول،
- ۳- نهادهای برتون‌وودز و آموزش و پرورش
- ۴- قدرت، دانستن‌ها و تکنولوژی الترناتیو
- ۵- رابطه بین بانک‌های چند جانبه و بانک‌های تجاری
- ۶- نقش سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در حوزه مدیریت
- ۷- خاورمیانه. نظم جدید سیاسی، نظم جدید اقتصادی.

در امتداد برنامه کار کنفرانس روز یکشنبه ۲ اکتبر به دعوت کمیته برگزار کننده یک تظاهرات بزرگ با شرکت دهها هزار نفر در مادرید برگزار شد. در جلسه پایانی این کنفرانس آقایان اسماعیل سراحلدین معاون محیط زیست بانک جهانی و اوان پوونتس مسئول روابط عمومی صندوق بین‌المللی پول به

تشریح سیاست‌های نهادهای برتون وودز و گات پرداختند.

مسائل مهم مورد بحث کنفرانس الترناتیو طبعاً همان مقولات موجود در تقویم کار نشست صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بود.

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مسئله «برنامه تعدیل ساختاری» را در راس دستور کار خود قرار داده بود. نیاز و تقاضای اصلی بانکداران و نهادهای اقتصادی قدرتمند کردن هر چه بیشتر نهادهای جهانی برتون‌وودز بود. دلیل رسمی این تقاضا چنین بیان شد که: در شرایط جهانگیر شدن هر چه بیشتر اقتصاد نیاز مبرم به اداره و مدیریت آن بصورت جهانی وجود دارد. مدیریتی که بتواند برنامه‌های اقتصادی را ماورا دولت‌ها و کنفدراسیون‌های سیاسی منطقه‌ای اداره کند. درست به این دلیل در سرلوحه کنفرانس رسماً چنین اعلام شده بود. «پنجاه سال بعد از برتون‌وودز: آینده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول».

این کنفرانس همچنین خواهان هماهنگی هرچه بیشتر این نهادها و سازمان بازرگانی جهانی شد، که از سال ۱۹۹۵ جانشین گات خواهد شد.

این درخواست‌ها نشانگر خواست یک حکومت مطلق بر اقتصاد جهانی، بدون حداقل کنترل دموکراتیک بر روند برنامه‌های اقتصادی و سیاست‌های پولی در جهان می‌باشد. مفهوم دیگر این تقاضا سلب توان برنامه‌ریزی ملی از دولت‌ها برای اقتصاد کشورهاست که چیزی جز وابستگی سیاسی هرچه بیشتر را بدنبال نخواهد داشت. در این مورد باید توجه داشت که در این دو نهاد هیچگونه سازماندهی درونی دموکراتیک به مفهوم یک کشور یکدلی وجود ندارد. صندوق بین‌المللی پول بیشتر شبیه به یک شرکت سهامی است چرا که قدرت نفوذ هر کشور در تصمیم‌گیریها از مقدار تزریق سرمایه به این صندوق از طرف آن کشور نشأت می‌گیرد. این از اساسی‌ترین دلایل برای رد درخواست قدرت هرچه بیشتر این ارگان در سطح جهانی می‌باشد.

«برنامه تعدیل ساختاری» مورد پیشنهاد این دو ارگان البته چیزی جز یک قبیح اجتماعی نیست. پروسه عمل این برنامه در اساس در پایین آوردن سطح خدمات اجتماعی خلاصه می‌شود. این خدمات شامل بهداشت عمومی، آموزش و پرورش و بخش زیربنایی اقتصاد کشورها همچون راه و ترابری که در توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای نقش کلیدی دارند، است.

آقای اسماعیل سراحلدین در مقابل انتقاداتی که به S.A.P می‌شود به یادآوری شرایط پیشرفت اژدهاهای آسیای جنوب شرقی بسنده کرد، او بدون توجه به شرایط غیر انسانی تولید و چگونگی تقسیم کار و شرایط حقوقی حاکم بر این کشورها از سیاست‌های اقتصادی آنان تمجید کرد. کافیت یادآوری کنیم که در این کشورها کودک، مرد و زن و معلول اجتماعی از نظر حقوق کار هیچ تفاوتی ندارند. از دیدگاه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول S.A.P (برنامه تعدیل ساختاری) اصولاً راه حلی برای مسئله قرض‌های کشورهای در حال توسعه است. اما در واقع S.A.P برنامه‌ای برای اداره

قرض‌های این کشورها است. این برنامه از یک طرف، همانطور که در بالا قید شد، کلیه خدمات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و از طرفی دیگر هیچگونه محدودیتی در مورد بازگرداندن سوده‌های کلانی که گریبانگیر تولیدات ناخالص ملی کشورهای در حال رشد یا فقیر است قائل نمی‌شود. این به مفهوم گذار ثروت در فرم پولی آن، از کشورهای فقیر و در حال توسعه به طرف طبقات حاکم در کشورهای صنعتی و ثروتمند است. کافی است به ارقام ارائه شده از طرف سازمان ملل متحد توجه کرد. طبق این آمار کل قرض‌های کشورهای در حال رشد در سال ۱۹۸۰ بالغ بر ۵۶۷ میلیارد دلار بوده است. در سال ۱۹۸۶ این رقم تا حد ۱۰۸۶ میلیارد دلار رشد می‌کند و در سال ۱۹۹۲ این قرض‌ها به رقم نجومی ۱۴۱۹ میلیارد دلار می‌رسد. نتیجه این است که در عرض ۱۲ سال کل قرض‌های کشورهای مورد نظر ۲/۵ برابر شده. سازمان ملل متحد در همین دوره، پرداخت سود این قرض‌ها را رقم ۷۷۱/۳ میلیارد دلار اعلام می‌کنند، ضمن اینکه به این رقم باید پرداخت سرمایه خالص را که ۸۹۰/۹ میلیارد دلار است را نیز اضافه کرد. در نهایت این کشورها مجبور به پرداخت ۱۶۶۲/۳ میلیارد دلار می‌باشند. در نتیجه در طرف ۱۲ سال سه برابر قرض‌هایشان را به صورت سود به کشورهای صنعتی بازگردانده‌اند. یکی از مشکلات اساسی دیگری که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با آن روبرو هستند ناموزون بودن رشد پولی - مالی سرمایه‌داری نئولیبرال با رشد بعد اجتماعی تولیدی آن است. البته توصیه‌های بانک جهانی بر هرچه بیشتر خصوصی کردن بخش دولتی در کشورهای در حال رشد است. کشورهای صنعتی قاعدتاً می‌خواهند کمکی بر هماهنگی این جنبه از رشد باشد. تضاد عمده‌ای که در بطن این توصیه وجود دارد این است که از طرفی سرمایه‌داری نئولیبرال روزبروز بر رقابت آزاد تاکید می‌ورزد، و از طرفی خواهان قبول ریسک تولید نمی‌باشد. به این دلیل خصوصی کردن صنایع و خدمات بخش دولتی چیزی جز بازخرید یک بازار از پیش موجود نمی‌باشد و در نهایت هیچگونه تغییری در تقسیم بازار کار بوجود نمی‌آورد و از طرف دیگر با مدرنیزه کردن آنچه که موجود است درصد بالایی از مشاغل موجود را نیز از بین می‌برد. در پایان نباید فراموش کرد که هماهنگی برنامه‌ریزی اقتصادی بدون هماهنگی سیاسی امکان‌پذیر نیست و تا بحال این هماهنگی حتی در اروپا و بازار مشترک امکان‌پذیر نبوده و دقیقاً بخاطر کمبود هماهنگی در بعد سیاسی آن، بویژه در بعد اصلی آن یعنی دموکراسی، کلیه طرح‌های اینگونه‌ای شکست خورده است. طبیعتاً نه صندوق پول و بانک جهانی و نه منتقدین آنان و نه هیچکس دیگر منتقدین «برنامه تعدیل ساختاری» SAP خواهان یک کنترل دموکراتیک بر اقتصاد بین‌المللی هستند و این را در پیشنهاد زیر خلاصه می‌کنند: منطقه‌ای کردن بازار جهانی و متشکل کردن آن در فرم کنفدراسیونی برای ایجاد حداقل مرکزیت در کنترل پولی - مالی، تا اینکه روزنه‌ای برای پیشرفت کشورهای فقیر و در حال رشد باقی مانده، و تا آنجا

بحران کوبا پرده دوم جنگ سرد

منصور امان

قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت رژیم آخوندها بدلیل نقض حقوق بشر رای منفی داد.

اینکه امروز توريسم دوباره به یکی از منابع مهم تهييه ارز برای دولت کاسترو تبدیل گردیده و نیز دلار ارسال توسط کوبایی‌های تبعیدی عملاً واحد رسمی پول کشور محسوب می‌شود، هیچکس را متعجب نمی‌سازد. اگر گورباچف تنها یکبار حقیقتی را گفته باشد این است که: «تاریخ کسانی را که دیر برسند، مجازات می‌کند.» البته کاسترو هنوز به انتهای راه خود نرسیده است اما هر روزی که وی در شکستن چارچوب بسته و قدیمی جامعه و اقتصاد تاخیر ورزد به همان نسبت شانس الترناتیوهای ضد مردمی با لیبرالیسم افسارگسیخته‌شان - همان گونه که در اروپای شرقی و روسیه شاهد هستیم - افزایش می‌یابد.

در این میان نقش امریکا بعنوان عامل خارجی بحران کنونی کوبا را نباید نادیده گرفت. از آوریل ۱۹۶۱ یعنی از سی‌وسه سال پیش، این کشور به محاصره اقتصادی کوبا ادامه می‌دهد و اگر در نظر بگیریم که اغلب کشورهای غربی با شدت و ضعف در این بایکوت با امریکا همکاری کرده و می‌کنند، آنگاه به عمق و چگونگی تاثیر قطع ارتباط کوبا با جهان صنعتی و پیشرفته پی می‌بریم. تمایلات امپریالیستی امریکا در کوبا به آغاز جنگ سرد بر نمی‌گردد بلکه خیلی پیش‌تر از آن این کشور در معرض تاخت‌وتاز سلطه‌جویانه امریکاییها بوده است. تاریخ آخرین لشکرکشی رسمی به کوبا به سال ۱۹۲۴ برمی‌گردد و پس از آن نیز همواره این عاملان دست نشانده امریکا بوده‌اند که سرنوشت مردم را تعیین کرده‌اند. دیکتاتوری نظامی باتیستا، آخرین حلقه از سلسله زنجیری بود که انحصارات بزرگ بوسیله آن حق حاکمیت خلق کوبا بر سرزمینشان را به بند کشیده بودند و کاسترو آنها را هم گسست. جرم نابخوددنی او نیز دقیقاً همین اعاده حاکمیت ملی و خارج نمودن کوبا از دایره شیطنانی مداخله، سرکوب، استثمار و تحقیر است. ایالات متحده با حمایت آشکار از مزدوران کوبایی در حمله به خلیج خوکها در آوریل ۱۹۶۱ نشان داد که به هیچ عنوان جزیره آزاد کوبا را در نوک بینی خود تحمل نخواهد کرد. با تشدید بحران روابط دو کشور بدنبال استقرار موشکهای میان‌برد اتمی اتحاد شوروی در خاک کوبا در اکتبر ۱۹۶۲، امریکا دشمن خود را قطعاً یافته و با تمام توان در صدد سرنگونی رژیم کاسترو برآمد. از سوی دیگر کوبا به پایگاه حمایت مادی و معنوی انقلابیون امریکای لاتین و سپس کشورهای به ظاهر سوسیالیستی قاره افریقا تبدیل شد. سیاستی که کاسترو آنها را «انترناسیونالیسم مسلح» می‌خواند. با توجه به اینکه کلیه گرایشات انقلابی امریکای لاتین به نحو مستقیم یا غیرمستقیم منافع یا بهتر بگویم روند تاراج امریکا را به خطر می‌انداختند، رژیم کاسترو به مشکل اصلی این کشور برای حفظ دولتهای کودتایی

در دوران حکمفرمایی جنگ سرد در مناسبات دول جهان و تقسیم آنها از حیث سیاسی به اردوگاههای غرب و شرق، عملاً برای کاسترو امکان انتخاب زیادی باقی نمانده بود. واکنش کینه توزانه امریکا و متحدانش به انقلاب کوبا و سابقه تاریخی روابط دو کشور که همواره با تجاوز نظامی، مداخله مستقیم و اهداف مستعمره جویانه قطب نیرومندتر همراه بوده، ورود کوبا به جرگه کشورهای بلوک شرق را اجتناب‌ناپذیر ساخته بود. اما با این تفاوت مهم که بر خلاف سایر کشورهای اروپای شرقی، این ارتش سرخ اتحاد شوروی نبود که حزب کمونیست را به اریکه قدرت نشانده بود بلکه چریکهای ریشو بودند که ابتدا قدرت را بدست گرفته و سپس طی یک پروسه، حزب کمونیست و آنچه که از سوسیالیسم می‌نمیدند را به خمیرمایه آن تبدیل کردند و به همین جهت نیز نه تنها در عرصه داخلی ریشه‌های اجتماعی آنها عمیق و گسترده‌تر بود بلکه در صحنه بین‌المللی نیز با اعتماد به نفس بیشتری ظاهر شده و استقلال خود را به رخ می‌کشیدند. اما همه اینها مانع نشد که کاسترو در سال ۱۹۶۸ حمله نیروهای پیمان ورشو به چکسلواکی را تأیید نکند. و این در حقیقت آغاز کندشدن دینامیزم واقعی انقلاب و بستن آن به لوکوموتیو اتحاد شوروی بود. کمکهای سالیانه شوروی به کوبا که به رقمی بالغ بر پنج میلیارد دلار بالغ می‌شد در حقیقت توجیه مادی این دیناله‌روی به حساب می‌آمد. با عضویت کوبا در پیمان کمکهای دوجانبه اقتصادی (کومکن) در سال ۱۹۷۲، تمایل این کشور به اجرای برنامه‌های اقتصادی کوتاه‌مدت و امتناع از ترسیم چشم‌اندازهای واقع بینانه، افزایش یافت. امری که نتیجه طبیعی آن وابستگی روزافزون به بذل و بخششهای اتحاد شوروی و پیوندزدن رشته‌های مرگ و زندگی خود به کشاکش دوا بر قدرت بود.

از نظر ایدئولوژیک نیز، کاسترو که یک مبارز ضد دیکتاتوری بود و مبارزه چریکهای او به دلیل همین آماجهای دمکراتیک، توده‌ها را به حمایت از خود برانگیخت، تفسیرهای جامد و کلیشه‌ای از حزب، طبقه و دولت را از «اردوگاه» وام گرفته و بطور تصنعی و درحالیکه به دور خود حصار کشیده بود برپایی مدینه فاضله سوسیالیستی را بشارت می‌داد. او در این زمان با محدود نمودن آزادیهای سیاسی، درک مغشوش و تحریف شده از دیکتاتوری پرولتاریا که سالها در اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوگاه به دکترین رابطه حزب کمونیست و بقیه مردم تبدیل شده بود را به کوبا تعمیم داده و عملاً انزوای خود را پیشاپیش برنامه ریزی کرد. حتی به اپوزیسیون دمکرات درون حزب نیز پوزهبند زده شد و از این رهگذر امکان دست زدن به رفرمهایی که سمت و سوی توده‌ای داشتند نیز به حداقل کاهش یافت. برای ما ایرانیها بخصوص تحول این انقلابی پرشور به یک حسابگر خرده‌پا با شگفتی و حیرت همراه بود. چرا که دولت کوبا همراه با مرتجعترین دیکتاتوریهایی روی زمین، به کلیه

موضع دولت کانادا در قبال مسائل کوبا

منبع: اتاوا - رویتر

نقل از نورتو استار روزنامه محافظه کار چاپ کانادا ۳ اوت ۱۹۹۴

مقامات دولت کانادا می‌گویند که ایالات متحده می‌بایستی به محاصره اقتصادی کوبا پایان دهد و اجازه دهد تا تحولات در جزیره تحت حاکمیت کمونیستها از درون صورت پذیرد.

آنها می‌گویند که اتاوا که هیچگاه به فشارهای امریکا مبنی بر قطع رابطه با کوبا تن نداده است، مایل است شاهد تبدیل کوبا به یک سوسیال دموکراسی از طریق یک فرم داخلی باشد تا بوسیله آن سیاستهای دولت در مورد بهداشت و تحصیل که دستاوردهای اساسی انقلاب می‌باشند، کماکان باقی مانده و حفظ شوند.

ادوارد دلپویی، یکی از مقامات وزارت امور خارجه گفت که: «ما همانطور که با سیاست محاصره اقتصادی کوبا توسط ایالات متحده موافق نیستیم، با سیستم سیاسی در کوبا نیز موافقت نداریم.» وی افزود که: «انتقال در کوبا می‌تواند از درون صورت پذیرد.»

مقامات کانادایی در مورد مذاکرات بین کوبا و امریکا که قرار است در هفته جاری به فراز کوبایی‌ها از طریق تنگه فلوریدا بپردازد، ابراز خوشحالی کردند. کوبا مایل است که در این مذاکرات مسئله رفع محاصره اقتصادی نیز مطرح شود.

بقیه در صفحه ۸

و ژنرالهایی ریز و درشت بدل گردید.

پایان جنگ سرد و عدم توجیه مادی لولوی سرخرمن نفوذ کمونیسم، در سیاست خارجی امریکا در قبال کوبا تغییری نداده است. ایالات متحده کماکان درصدد سرنگونی رژیم کاستروست بدون آنکه حتی یک دلیل منطقی برای پوشاندن نیت واقعی خود در چنه داشته باشد. از نقض گسترده حقوق بشر، مانند آنچه که بعنوان مثال در ترکیه یا ایران صورت می‌گیرد، در مورد کوبا سخنی نمی‌تواند در میان باشد. حکومت فعلی کوبا مانند نمونه هائیتی بطور غیر قانونی جایگزین هیچ رژیم مشروع و متکی به آرای عمومی نشده است. از کشتار قومی و قبیله‌ای سومالی و رواندا در کوبا خبری نیست و رژیم کاسترو صلح یا ثبات بین‌المللی یا حتی منطقه‌ای را نیز به خطر نیافکنده. از همین‌رو تهاجم هیستریک ایالات متحده با هیچیک از موازین بین‌المللی سازگار نیست. مسدود نمودن گذرگاههای تنفس اقتصادی این کشور و به مرز قحطی و گرسنگی کشاندن مردمان آن، تنها می‌تواند به معنای تلاش برای اعاده روابطی باشد که پیش از کاسترو در کوبا حکمفرما بوده و آشکارا نقض حاکمیت ملی یک کشور عضو جامعه ملل محسوب می‌گردد. سابقه تاریخی عملکرد امریکا در کوبا که بی‌شک هنوز در حافظه مردم آن ماندگار است و نیز تجربه سی‌وسه سال استقلال سیاسی، مسیر دستیابی ایالات متحده به اهداف خود را دشوار ساخته و در بدترین حالت به یک بحران همه جانبه و توأم با خشونت منتهی می‌سازد. اما نتیجه هر چه که باشد دره عمیق فاصله میان این دو کشور را پر نخواهد کرد.

سپتامبر ۹۴

از گات تا نفتا و بحران های بین المللی (۳)

م - حبیبی

جمهوری جرج بوش مرحله ی خطیری در مقابل اقتصاد امریکا قرار گرفت. در چنین اوضاع و شرایطی جنگ خلیج فارس اقتصاد بحرانی امریکا را وارد مرحله جدیدتری نمود و آتش بحران منطقه ای را در عراق شعله ور نمود. در آن شرایط مجلس نمایندگان پیشنهاد کسر بودجه دولت امریکا را رد کرد، به گفته ناظران در چنین شرایطی جرج بوش سخت ترین شکست را در سیاست داخلی خورد. رادیو المان در برنامه روز ۵ اکتبر ۱۹۹۰ می گوید: «رد پیشنهاد کاهش بودجه از جانب کنگره برای جرج بوش شکست سختی بود البته وی چنین شکستی را قبلاً نیز پیش بینی می کرد». فقط ۱۷۹ نماینده رای موافق دادند و ۲۵۴ نماینده پیشنهاد را رد کردند در نظر بود با این طرح کسری بودجه طی پنج ساله آینده به میزان ۵۰۰ میلیارد دلار کاهش یابد. طبق این طرح قرار بود کاهش کسری بودجه از طریق صرفه جویی و افزایش مالیات انجام گیرد. طرح این مسأله برای جرج بوش بسیار دشوار بود زیرا در مبارزات انتخاباتی خود قول داده بود که مالیاتها را به هیچ وجه افزایش ندهد، در طرح بودجه جدید که قرار بود از اول ماه اکتبر به اجرا درآید تغییرات شدیدی پیش بینی شده بود از جمله افزایش مالیات بر بنزین به میزان دو برابر، افزایش مالیات کالاهای لوکس و اتومبیل، در صورتیکه قیمت آن بیش از ۳۰ هزار دلار باشد، از بین بردن امکانات مربوط به استفاده از تحقیقات مالیاتی برای افراد پردرآمد، به معنای رویگردانی سیاست مالیاتی بود که با انتخاب رونالد ریگان برقرار گردیده بود. کاهش کمک های درمانی بویژه برای افراد سالخورده باعث سرخوردگی آن دسته از مردمی شد که امیدوار بودند دولت سیاست اجتماعی تری را در پیش گیرد. طی نظرخواهی که قبلاً صورت گرفته بود ۵۲ درصد از مردم امریکا مخالفت خودشان را با طرح کاهش بودجه ابراز کرده بودند.

اعضای مجلس نمایندگان نیز امتناع مردم را در این مورد در نظر گرفتند. البته جای تعجب نیست زیرا در ماه نوامبر بعد انتخابات برگزار می شد و هیچ نماینده ای حاضر نبود کرسی خود را در مجلس از دست بدهد. از سوی دیگر امریکا چاره ای جز کاهش بودجه نداشت و کسری بودجه دولت در آن سال به عدد نجومی ۲۵۰ میلیارد دلار می رسید.

این یک رکورد جدید و امریکا نمی توانست به آن افتخار کند. زیرا این کسری بودجه ثبات اقتصادی جهان را به خطر می اندازد. دولت امریکا برای این کسری بودجه باید پول فراهم کند.

در صورتیکه این پول از منابع داخلی تهیه شود. اقتصاد و وسائل تامین مالی که سرمایه گذاران برای مدرنیزه کردن کارخانه های خود به آن نیاز دارند به خطر می افتد. اما از آنجا که پس انداز مردم در بانکها کافی نیست جرج بوش ناگزیر است مقداری

۸- در سالهای ۱۹۲۰ امریکا پایین ترین نرخ بهره بانکی را در جهان داشت و میزان متوسط آن از ۳/۶ درصد بود در حالیکه در سالهای ۱۹۸۰ نرخ بهره در این کشور از نرخ بهره بانکهای آلمان، سوئیس، هلند، ژاپن، فراتر نرفت. در سال ۱۹۹۰ به طور متوسط به ۸/۹ درصد رسید.

۹- در ۱۹۲۹ شرکتها و موسسات بزرگ امریکایی انباشته از سرمایه نقد بود، در حالیکه در ۱۹۹۰ مقدار این نقدینگی به حداقل رسید، بخش بزرگی از این نقدینه ها باید صرف پرداخت بهره های کزاف می شد.

۱۰- در سال ۱۹۲۹ میزان بیکاری ۳/۹۲ در صد بود در حالیکه در ۱۹۹۱ این میزان بطور رسمی ۶/۸ در صد رسید.

۱۱- در ۱۹۲۰ حدود ۲۲ درصد از جمعیت امریکا به کار کشاورزی مشغول بودند در حالیکه در سالهای ۱۹۸۰ جمعیت کشاورزی به ۲/۶ درصد رسید و درصد خودکفایی مردم در خصوص کشاورزی به طرز قابل توجهی پایین آمد.

۱۲- در سالهای ۱۹۲۰ مخارج نظامی فقط ۰/۶ درصد تولید ناخالص ملی بود. مشاغل وابسته به صنایع نظامی ناچیز و پیمانکاران نظامی معدودی بودند که به خریدهای نظامی دولتی وابسته باشند. کل خریدهای دولت فدرال شامل کالاها و خدمات فقط ۱۸ میلیارد دلار به قیمت سال ۱۹۸۲ بود در حالیکه در سالهای ۱۹۸۰ در صد بودجه نظامی امریکا نسبت به تولید ناخالص ملی به بیش از ۱۰ برابر سال ۱۹۲۲ رسید و بسیاری از شهرها و مناطق امریکا حیات اقتصادی شان به فعالیت نظامی وابسته شد.

۱۳- در ۱۹۲۹ بودجه دولتی ۳/۲ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می داد و کمتر از ۱۰ درصد از شاغلین دارای شغل دولتی بودند در حالیکه در ۱۹۸۰ بیش از ۲۱ درصد از حقوق بگیران شاغلین دولتی بودند.

۱۴- در ۱۹۲۰ هنوز خانواده هایی از نوع گسترده وجود داشت که می توانست خیلی از نیازهای مردم را تامین کند. در حالیکه در ۱۹۸۰ ترکیب خانواده ها تغییر عمیق پیدا کرد و خانواده های گسترده به ندرت به چشم می خورد در نتیجه تکیه بر خانواده به حداقل رسید.

۱۵- صندوق پشتوانه پس اندازها و سپرده های بانکی در ۱۹۳۰ تازه تشکیل شده بود و نقش مهمی در نجات بانکهای ورشکسته بازی می کرد در حالیکه این صندوق در حال حاضر کاملاً خالی است این صندوق قرار است پشتوانه بیش از ۲ تریلیون دلار سپرده بانکی مردم امریکا که در حال حاضر یکی از خطرناکترین علائم در اقتصاد امریکاست، باشد. قروض دولتی و غیر دولتی رشدی سریعتر از رشد واقعی اقتصاد دارد. در ۱۹۸۰ امریکا بشدت وابسته به سرمایه های خارجی بویژه ژاپن برای ترمیم کسری بودجه دولتی و غیر دولتی شد (۱)

همانطور که قبلاً نیز بطور مشروح وضعیت بحرانی اقتصاد امریکا از نظر گذشت در دوره ریاست

توضیح نبرد خلق: مقاله از «گات تا نفتا و بحرانهای بین المللی» توسط م- حبیبی برای نبرد خلق ارسال شده که حاوی اطلاعات مفیدی پیرامون اینگونه قراردادهای بین المللی است. این مقاله به آنگونه که نویسنده متذکر می شود «ناظر بر وقایع پیرامون نحوه شکل گیری موافقت نامه گات تا سرفصل موافقت نامه نفتا است». نبرد خلق متن کامل این مقاله را طی چند شماره چاپ می کند.

تفاوت بحران کنونی با بحران ۱۹۲۹-۲۲

علاوه بر نکات تشابه بین جریانات اقتصادی سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۸۰ علائم دیگری وجود دارد. که حتی خیر از وخیم تر بودن بحران سالهای ۱۹۹۰ نسبت به سالهای ۱۹۳۰ می دهد از جمله این علائم و نشانه ها عبارتند از:

۱- در سالهای ۱۹۲۰ امریکا بزرگترین کشور بستانکار جهان و در ۱۹۸۰ بزرگترین کشور بدهکار جهان با بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار وام خارجی بوده است.

۲- دولت فدرال از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ دارای مازاد بودجه و بدهی های دولت به میزان ۳۳ درصد کاهش داده شد، در حالیکه در سالهای ۱۹۸۰ قرض های دولت امریکا ۳۴۲ درصد افزایش یافت. در سالهای ۱۹۲۰ قرض های دولت امریکا اکثراً دراز مدت بود در حالیکه دیون سالهای ۱۹۸۰ کوتاه مدت و طولانی ترین آن ۶ ساله بود.

۳- در سالهای ۱۹۲۰ ارزش پول امریکا با طلا سنجیده می شد و این کشور صاحب بخش عظیمی از ذخیره طلای جهان بود. در سالهای ۱۹۸۰ نه تنها پول امریکا با طلا سنجیده نمی شد بلکه ذخیره طلای این کشور به ۹ درصد ذخیره طلای جهان کاهش یافت. نکته قابل توجه اینکه در ۱۹۲۵ امریکا صاحب پنجاه درصد ذخیره طلای جهان بود.

۴- در ۱۹۲۰ دولت امریکا دارای دیون بدون پشتوانه نبود امروز دیون و ضمانتهای بدون پشتوانه دولتی امریکا مانند قرضهای داخلی و خارجی برای ترمیم کسری بودجه ضمانت پس اندازها، اوراق قرضه بانزشتگی دولتی و تعهدات بیمه اجتماعی بالغ بر ۱۴ تریلیون دلار بیش از کل دارایی دولت امریکا است.

۵- در سالهای ۱۹۲۰ پس انداز و سرمایه گذاری فراوان در اقتصاد داخلی امریکا صورت می گرفت. در حالیکه در ۱۹۸۰ میزان پس انداز و سرمایه گذاری داخلی از هر زمان دیگر در تاریخ امریکا کمتر بوده است.

۶- در ۱۹۲۰ موازنه تجاری امریکا به طور قابل توجهی مازاد داشت در حالیکه در ۱۹۸۰ میزان کسری موازنه تجاری امریکا از هر کشور دیگر بیشتر بود (۷/۶ میلیارد دلار فقط در ماه سپتامبر ۱۹۹۱)

۷- در سالهای ۱۹۲۰ بعلت رشد قدرت تولیدی، تورم مهار شده بود در حالیکه در سالهای ۱۹۸۰ تورم گرچه به شدت سالهای پیشین نبود اما رشدی حدود ۵۳ درصد داشت.

پاسخ مسئول شورای ملی مقاومت

از صفحه ۱

اتهامات مورد اشاره در خبر خبرگزاری رژیم خمینی، به نقل از نامه دیده‌بان حقوق بشر- خاورمیانه که دو سه روز پیش هم در مقاله وال استریت جورنال منعکس شده بود، تماماً تکرار همان هجویات و مزخرفات رژیم خمینی است که طی سالیان، آنها را علیه مقاومت ایران و مجاهدین بازگو و منتشر کرده است به عنوان مثال معلوم نیست که میدل‌ایست‌واچ از چه منبعی اطلاع حاصل نموده که گویا زندانیانی، طی حملات مجاهدین به داخل خاک ایران، توسط آنها دستگیر شده‌اند و اکنون با آنها بدرقتاری می‌شود!

این مطلب سرپا کذب و جعل بوده و تا کنون فقط از جانب رژیم خمینی عنوان شده است. چون مجاهدین حمله‌ی بی به داخل خاک ایران نکرده‌اند که حالا بخواهند با زندانیان آن بدرقتاری کنند. موضوع پناهندگان ایرانی در اردوگاه پناهندگی التاش در عراق، که در خبر ایرنا به نقل از میدل‌ایست‌واچ ذکر شده، مطلقاً ربطی به مجاهدین ندارد و همگی این پناهندگان در نزد شعبه کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در عراق ثبت‌نام شده‌اند و کمیساریای ملل متحد بر آن نظارت دارد. البته ملایان سالهاست کوشیده‌اند که این اردوگاه پناهندگی را که ۲۰ هزار ایرانی در آن به سر می‌برند و قبل از این که مجاهدین به عراق بیایند وجود داشته است، با دجالیت تمام «زندان» مجاهدین توصیف کنند. واضح است که اتهاماتی از قبیل زندانی کردن و شکنجه افراد توسط مجاهدین و مقاومت ایران محل بسیار خوبی برای خنثی کردن ۳۲ بار محکومیت رژیم خمینی در ارگانهای مختلف ملل متحد می‌باشد و آخوندهای جنایتکار، که یکصد هزار تن از مجاهدین را طی حکومت خود اعدام کرده‌اند، بدین وسیله به بهترین نحو مورد استمالت قرار می‌گیرند. اما این اتهامات ردیلا نه و سخیف به مقاومت ایران، جز تمسخر مردم ایران را، که در جستجوی آزادی و خواهان سرنگونی دیکتاتوری ملایان هستند، بر نمی‌انگیزد.

اما تا آنجا که به مجاهدین و مقاومت ایران مربوط می‌شود، جهت اطلاعات عرض می‌کنم که ما خودمان در اوریل و سپتامبر ۹۴، دوبار، از طریق مسئول کمیسیون خارجی شورای ملی مقاومت، آقای محمدسیدالمحدثین، از میدل‌ایست‌واچ دعوت نمودیم که در برابر اتهامات ردیلا نه رژیم ملایان از پایگاههای مقاومت ایران دیدار کند. هر دو دعوت که حضوری بود و با ارائه مجموعه اسناد و دعاوی رژیم و جوابهای خودمان همراه بود بی‌پاسخ گذاشته شد من اکنون از طریق خبرگزاری رژیم آخوندی از آن نامه مشکوک آن هم در بحبوحه موضعگیریهای وزارت خارجه آمریکا و خط ایران‌گیت علیه مقاومت ایران، مطلع می‌شوم. بنابراین عرض می‌کنم تا آنجا که به مقاومت

نامه اعضای کنگره آمریکا

رادیو آمریکا در برنامه روز ۳۱ شهریور اسامی اعلام کرد که: «۹۸ نفر از اعضای کنگره آمریکا با ارسال نامه ای به وزارت امور خارجه این کشور از دولت کلینتون خواسته‌اند با نمایندگان جنبش مقاومت ایران ملاقات کنند. به گزارش خبرنگار صدای آمریکا، قانون‌گذاران آمریکا بر این نکته تاکید می‌گذارند که قوانین ایالات متحده چنین تماسهایی را الزام‌آور می‌سازد.

قانون گذاران آمریکا می‌گویند: «وقت آن رسیده است که ایالات متحده سیاست خود را در مورد ایران باز دیگر مورد ارزیابی قرار دهد». اوایل سال جاری کنگره آمریکا با تصویب قانونی، به دولت کلینتون دستور داد که درباره جنبش مقاومت ایران بویژه گروه مجاهدین خلق، مطالعه و بررسی‌های واقع‌بینانه و بی‌طرفانه‌ای انجام دهد. تنها چند هفته به مهلت تکمیل این مطالعات باقی مانده است.

رابرت تورسلی عضو دمکرات کنگره آمریکا از ایالت نیجری می‌گوید: «وزارت امور خارجه آمریکا در نظر دارد که بررسی‌ها را بدون تماس با نمایندگان نیروهای مقاومت ایران انجام دهد». آقای تورسلی گفت: «نمی‌توان درک کرد که چگونه می‌توان بدون گفتگو با طرف اصلی قضیه، بررسی بی‌طرفانه‌ای انجام داد. ما مایلیم که این بررسی‌ها واقع‌بینانه باشد. ما نمی‌خواهیم که نتیجه بررسی‌ها مفرضانه باشد، مایلیم بخاطر مصالح آمریکا، بررسی‌ها عادلانه صورت گیرد».

ایران، مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران مربوط می‌شود، ما در اصول نه فقط هیچگونه مخالفتی با بازدید از پایگاههایمان نداریم، بلکه از سالها پیش، در برابر دعاوی ملایان، اعلام کرده‌ایم که از بازدید هر هیات بی‌طرف ایرانی یا بین‌المللی استقبال می‌کنیم. در مورد اخیر هم، یعنی در جواب میدل‌ایست‌واچ پیشنهاد ما این است که هیاتی مرکب از نماینده کمیسیون حقوق بشر ملل متحد یا نماینده ویژه دبیر کل، همراه با نمایندگان عضو بین‌الملل، صلیب‌سرخ جهانی و نمایندگان سازمان آمریکایی مورد بحث به بازدید از پایگاههای مقاومت ایران و مجاهدین و دیدار و گفتگوی خصوصی با هر کس که می‌خواهند مبادرت نمایند. ما از حضور نمایندگان اتحادیه‌های وکلا و نمایندگان دیگر سازمانهای بین‌المللی و بشردوست به غایت استقبال می‌کنیم، سپس، در پایان بازدیدهای آنان از پایگاهها و مراکز مقاومت ایران، مصرا نه خواهان بازدید از زندانهای رژیم خمینی توسط همین هیات یا همین افراد و با حضور نمایندگان مقاومت ایران هستیم. جمعه ۱۵ مهر ۷۳»

از گات تا نفتا و بحران‌های بین‌المللی

از صفحه ۶

پول نیز از خارج تامین کند. امریکائیان از نظر پس‌انداز نسبت به سایر کشورهای صنعتی غرب کمترین پس‌انداز را دارند. دولت برای گرفتن قرض باید بهره‌ای بیشتر از آنچه که در سایر کشورها پرداخت می‌شود بپردازد. نتیجه آنکه میزان بهره در سراسر جهان افزایش می‌یابد. تامین پول نیز از سایر کشورها نیز گرانتر از میزان کسری بودجه دولت می‌شود. خلاصه آنکه سیاست اقتصادی و مالی آمریکا آنچنان وخیم می‌شود که امریکایی‌ها آمادگی مبارزه با رکود اقتصادی را لمس می‌کنند. به همین علت دوران سختی در انتظار اقتصاد جهانی است. تأثیرات عدم توافق در مورد بودجه و افزایش میزان بیکاری در آمریکا باعث تنزل ارزش سهام در بازار سهام نیویورک شد. در ساعت اول خرید و فروش سهام شاخص اقتصادی موسوم به دان جونز ۱۴/۵ واحد کاهش یافت و به ۲۰۵۲ واحد رسید. وزارت کار نیز اعلام کرد میزان بیکاری در کشور به میزان ۵/۷ درصد رسیده که ظرف دو سال اخیر در بالاترین سطح قرار دارد و تحلیل گران می‌گویند این گزارش نیز نشانه‌ای دیگر از فرا رسیدن رکود اقتصادی است (۲) خلاصه اینکه در چنین اوضاع و شرایطی مسئله بحران و رکود اقتصادی صرفاً متوجه آمریکا نمی‌شود. یا توجه به اینکه سیستم اقتصاد جهانی از عنصر به هم پیوسته‌ای برخوردار است این مسئله شامل حال سایر کشورهای بزرگ غربی و در عین حال کشورهای در حال توسعه با توجه به ارتباطات خاص خودشان با جهان اقتصادی نیز از این امر مستثنی نمی‌شوند و میتوان گفت آنها در وضعیت بدتری قرار می‌گیرند چرا که این ارتباطات در رابطه با آنها حیاتی‌تر است. به این نکته نیز باید توجه داشت که اگر در زمان جنگ سرد این امکان وجود داشت که از بعضی معضلات بازرگانی و اقتصادی تحت تاثیر عنصر امنیتی صرفنظر کرد، اوضاع در چنین شرایطی به گونه‌ای دیگر است. و حتی میتوان گفت که سیاستهای اقتصادی نظیر افزایش تعرفه‌ها، تحریمهای اقتصادی و ایجاد موانع بر سر بازرگانی خود یک ابزار جنگی محسوب می‌شود. طبق پیش‌بینی نظریه‌پردازان اقتصادی این مسئله ادامه خواهد یافت تا زمانی که یکی از قطب‌های اقتصادی به لحاظ پیشرفتهای عظیم تکنولوژی و اقتصادی بر دیگران برتری کامل پیدا کند. ولی همواره در جریان این کشمکشها سعی بر این شده تا در مرحله توافقات اقتصادی این مجادلات در نقطه تعادل نگه داشته شود. چرا که در شرایط حاضر امکان ایجاد یک قطب اقتصادی وجود ندارد. آنچه که در حال حاضر بوجود آمده یک نوع قطب‌بندی اقتصادی شامل اروپا- ژاپن و آمریکا است. که هر یک از این قطبها با توجه به شرایط منطقه ای خود تضادهایی نیز با سایرین دارند.

—

زیرنویس:

(۱) - هشدار بزرگ

(۲) - رادیو آمریکا - ۵ اکتبر ۱۹۹۰

ادامه دارد

دفاع گری سیک از حکومت آخوندها در ایران

در ۸ سپتامبر سال گذشته کنفرانسی در شهر واشنگتن در مورد مسائل ایران تشکیل شد که در آن گری سیک نیز نظراتش را پیرامون رژیم آخوندی بیان کرد. بخشی از حرفهای او در همان زمان در هفته‌نامه ایران تایمز چاپ آمریکا چاپ شد. دفاع گری سیک از حکومت آخوندی و تلاش او برای از زیرضرب خارج کردن حکومت اسلامی از خلال حرفهایش کاملاً مشخص می‌شود. او می‌گوید: «سیاست مہار دوگانه در مورد ایران براساس این فرض که ایران کشور آسیب‌پذیری است، اتخاذ شده است. دولت آمریکا معتقد است که با استفاده از این آسیب‌پذیری می‌توان موجباتی فراهم آورد که دولت ایران رفتار خود را تغییر دهد». گری سیک از این سیاست دولت آمریکا انتقاد کرده و سه ایراد بر آن می‌گیرد. او می‌گوید: «نخست آنکه در این سیاست هیچگونه پاداشی در قبال رفتارهای پسندیده ایران منظور نگردیده است. برای مثال هنگامی که ایران با اقدامات خود به گروگانگیری در لبنان پایان داد و یا با میانجیگری خود «حزبالله» را به متوقف کردن حمله به جنوب لبنان راضی کرد، دولت آمریکا هیچگونه عمل مقابله به مثلی نشان نداد و بویژه اقدامی در جهت رفع توقیف از دارائیهای ایران که مورد توقع مقامات تهران بود، به عمل نیاورد». دومین ایراد او به سیاست آمریکا «سعی مقامات آمریکایی در جلب رضایت مصر و اسرائیل بود» گری سیک می‌گوید که «این دو کشور می‌کوشند تا در خاورمیانه محیط جنگ سرد را بار دیگر زنده کنند... و پدید آوردن چنین محیطی سبب می‌شود که مصر و اسرائیل در نظر آمریکا اهمیت استراتژیکی بیشتری پیدا کنند». سومین ایراد گری سیک در مورد سیاست «مہار دوگانه» این است که این سیاست «سبب می‌شود تا سیاست آمریکا با روشی که ژاپن و متحدین اروپایی این کشور در قبال ایران دنبال می‌کنند، تضاد پیدا کند... فشارهایی که از طرف آمریکا برای خودداری از گسترش مناسبات با ایران و کشورهای مذکور وارد می‌شود، آنها را خشمگین و ناراضی می‌کند». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آقای گری سیک با زیرکی تمام می‌کوشد تا دولت آمریکا را تشویق به رابطه بهتر با رژیم آخوندها کند. گری سیک در این سخنرانی اساساً از خطری که اسلام خمینی برای صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه ببار آورده صحبتی نمی‌کند و ترجیح می‌دهد در این مورد سکوت کند. بنظر می‌رسد این آقای گری سیک است که می‌خواهد فضای جنگ سرد باقی بماند زیرا به عواملی یاری می‌رساند که عمده‌ترین خطر را برای صلح و ثبات (حدائقل در خاورمیانه) ایجاد کرده‌اند.

آیا «دیده‌بان حقوق بشر یک سازمان بی‌طرفی است؟»

در تاریخ ۶ اکتبر امسال «دیده‌بان حقوق بشر - خاورمیانه» نامه‌ای برای آقای مسعود رجوی نوشت و درخواست بازدید از قرارگاههای ارتش آزادیبخش ملی و «زندانهای» مجاهدین خلق را نموده است. این نامه قبل از آنکه بدست آقای رجوی برسد، توسط خبرگزاری رژیم جمهوری اسلامی انتشار می‌یابد و دیده‌بان حقوق بشر قبل از آنکه منتظر پاسخ آقای مسعود رجوی بماند، نامه را به خبرگزاریها می‌دهد. این اولین نکته‌ایست که یک علامت سوال جدی در مقابل این اقدام دیده‌بان حقوق بشر در خاورمیانه قرار می‌دهد. اما مضمون نامه (متن کامل آن در شماره ۲۱ هفته نامه ایران زمین چاپ شده است)، بطور آشکار نشان می‌دهد که این جریان بی‌طرف نیست و حتی رعایت ظواهر امر را هم ننموده و از ابتدا حکم به صحت امری داده که خواهان تحقیق پیرامون آنست. اگر دیده‌بان حقوق بشر بی‌طرف بود و بر اساس «شکایت» و یا «نامه‌های عده‌ای درصدد تحقیق بود، در متن نامه‌اش باید رعایت کامل بی‌طرفی را می‌نمود و پس از دریافت پاسخ آقای رجوی و انجام تحقیق، نتایج تحقیقاتش را اعلام می‌کرد. البته از سازمانی که رئیس آن آقای گری سیک است نمیتوان انتظار داشت که رعایت بی‌طرفی را در مبارزه بین نیروهای ترقی‌خواه با بنیادگرایان اسلامی و در راس آن رژیم خمینی بکند. آقای گری سیک یکی از حامیان جریان ایران‌گیت است. تقویت جریان بنیادگرای اسلامی در کل جهان بطور عام و رژیم آخوندی حاکم بر کشور ما بطور خاص به جریان اجتماعی آقای گری سیک در آمریکا کمک فراوان کرده است. جالب اینست که زنان الجزایر نیز از دیده‌بان حقوق بشر

بخاطر اینکه در گزارشات خود از ستمی که بنیادگرایان اسلامی در مورد زنان اعمال می‌کنند، اساساً حرفی نمی‌زند، ابراز انزجار کرده‌اند. مجله «مانتلی ریویو» در شماره سپتامبر ۱۹۹۴ خود مقاله به قلم خانم «کریمه‌بن‌نون» را چاپ کرده است. کریمه‌بن‌نون می‌نویسد: «هنگامی که من در فوریه ۱۹۹۴ در الجزیره بودم، رهبر برجسته گروه زنان الجزایر که خودش نیز در لیست مرگ بنیادگرایان قرار داشت و بنا به دلایل امنیتی مجبور به ترک خانه‌اش شده بود، خشمش را نسبت به گزارش اخیر دیده‌بان حقوق بشر در خاورمیانه به من ابراز کرد» گزارشی که نویسنده مانتلی ریویو از آن نام می‌برد در ژانویه ۱۹۹۴ توسط «دیده‌بان حقوق بشر» در مورد الجزایر انتشار یافت و برخلاف نام آن، اساساً هیچ اشاره‌ای در مورد نقض حقوق بشر در مورد زنان الجزایر توسط بنیادگرایان در آن نشده است. نکته آخری که در واقع هدف نویسندگان نامه را روشن می‌کند، زمان نوشتن این نامه است. در شرایطی که کنگره آمریکا خواستار مذاکره با مقاومت ایران برای ارائه یک گزارش دقیق و بی‌طرفانه است و وزارت امور خارجه با این امر مخالفت می‌کند و رژیم آخوندی نیز بشدت در تلاش است تا راه هرگونه گفتگو بین مقاومت ایران و وزارت امور خارجه را مسدود کند، نامه دیده‌بان حقوق بشر در خاورمیانه، نه فقط معنی دلسوزی برای کسانی که گویا حقوقشان توسط مقاومت ایران نقض شده نمی‌دهد، بلکه دقیقاً معنی کمک به رژیم ارتجاعی آخوندی، که در شرایط بحرانی کنونی سخت نیازمند اخلال و کارشکنی در کارهای مقاومت ایران است را می‌دهد.

موضع دولت کانادا در قبال مسائل کوبا

از صفحه ۵

کانادا و مکزیک تنها کشورهای نیمکره هستند که در خلال جنگ سرد، بدون توجه به محاصره اقتصادی که توسط آمریکا به کوبا تحمیل شده، به مناسبات دیپلماتیک و بازرگانی‌شان با کوبا ادامه دادند. بعد از حضور نظامی کوبا در انگولا بسال ۱۹۷۷، کانادا اقدام به قطع کمک‌هایش به کوبا نمود. این کشور در ماه ژوئن سال جاری، به منظور کمک به کاهش بحران اقتصادی کوبا که بعلت فروپاشی اتحاد شوروی بوجود آمد، کمک‌هایش به کوبا را از سر گرفت. اتاوا معتقد است که زمان آن فرا رسیده تا ایالات متحده آخرین صفحه از کتاب جنگ سرد را ورق زند.

دلبرونی گفت: «ما مایلیم تا در کوبا شاهد سوسیال دموکراسی مبتنی بر جنبه‌های مثبت اجتماعی انقلاب همراه با اقتصادی کارا، دموکراسی پلورالیستی و

پنجاه سال کفایت

از صفحه ۴

که ممکن است و تا آنجا که ممکن است گذار از فاز دولت آسایش به جامعه آسایش برای کشورهای صنعتی نیز فراهم شود.

* - برتون وودز شهری است در ایالت نیوهمپشایر در آمریکا که در سال ۱۹۴۴ برای اولین بار در آن کنفرانس برگزار شود بانک جهانی توسعه و ترمیم و صندوق بین‌المللی پول پایه‌گذاری شد.

احترام به موازین حقوق بشر باشیم». « آنچه که ما بدان چشم دوخته‌ایم یک تحول مسالمت‌آمیز است که توسط خود کوبی‌ها هدایت می‌شود.»



« زنان و گاوها »

نوشته تسلیمه نسرین

منبع: نیشن، اکتبر ۱۹۹۴

مترجم: س - کیوان

نیست. این جامعه فرزند دختر را در جنین می کشد اما در آن سو، قاچاقچیان در مقابل یک دختر بدبخت و بیچاره شش گاو کامل را می دهند. آنها او را وارد تجارت گوشت می کنند. خوب که چه؟ آیا خیر این است که زنان (باصطلاح) قابل احترام ما جز برای لذت مردان قابل احترام ما استفاده دیگری ندارند. این یک فریب در یک دنیای دیگرست. زنان قابل احترام ما به رایگان به دور انداخته می شوند، حال آنکه زنان بی کس و کار با نیم دوجین دام معامله می شوند. برآستی که خوب بود اگر قیمت زنان کمی بالاتر می رفت.

لغو سفر به پاریس

تسلیمه نسرین، نویسنده مبارز بنگلادشی، پس از آنکه دولت فرانسه برای مسافرت وی به پاریس محدودیتهایی قائل شد، سفر خود به فرانسه را لغو کرد. تسلیمه نسرین در این رابطه گفت فرانسه نباید به علل سیاسی و اقتصادی در مقابل نیروهای بنیادگرا سر تسلیم فرود آورد و حقوق بشر و آزادی بیان را به این دلیل که مردم عادی برای آن مبارزه می کنند، نادیده بگیرد. نسرین برای شرکت در یک برنامه تلویزیونی به پاریس دعوت شده بود و دولت فرانسه روز پنجشنبه ۱۴ مهر اعلام کرد که تنها با اعطای یک ویزای ۲۴ ساعته به وی موافقت می کند. پس از آن تسلیمه نسرین در گفتگویی با رئیس سازمان فرانسوی روزنامه نگاران بدون مرز، این تصمیم دولت فرانسه را توهین به خود اعلام نمود و گفت به هیچ وجه انتظار چنین برخوردی از جانب مقامهای فرانسوی را نداشته است. همچنین وی اعلام کرد که حاضر نیست تحت چنین شرایطی به فرانسه مسافرت کند. تصمیم دولت فرانسه با انبوهی اعتراض رویرو شد. اعلام انزجار برنامه برناردپود، تهیه کننده سرشناس برنامه تلویزیونی معرفی کتاب و تعدادی از سازمانهای اجتماعی فرانسه، سبب آن شد که الیزبته وزیر امور خارجه فرانسه و شارل پاسکوا وزیر کشور هر یک به توجیه این عمل پردازند و مسئولیت این تصمیم را بعهده بگیرند. اما آنچه در این میان شایان توجه و شایسته تقدیر است، برخورد قاطع تسلیمه نسرین با این اقدام شرم آور دولت فرانسه بود که حاضر نشد به پاریس مسافرت کند.

در حاشیه غروب (هفت رباعی خلقت)

اسماعیل ولایتی

(۱)

در حاشیه غروب ابری بارید
یک قطره به روی برگ آلاله چکید

بگذشت نسیم خسته از دشت خموش
در آینه آب شفقها لرزید

(۲)

در حاشیه غروب «او» تنها بود
یا آنکه نبود او به خاموش وجود

آهی زد و بادی شد و خاکی برخاست
خندید کسی به عرصه بود و نبود

(۳)

در حاشیه غروب در آبی آب
در خاطر ماهیان که بودند به خواب

مرغی به افق پر زد و، اسبی به شفق
می تاخت به سوی بیشه‌ای با تب و تاب

(۴)

در حاشیه غروب از خاک گران
مردی و زنی شدند از جا نگران

دیدند غریب و ناشناس است وجود
خاموش میان پرده‌هایی ز زمان

(۵)

در حاشیه غروب شهری بشکفت
بر بام کسی به پرتو ماه بخت

در پشت یکی دریاچه ناگاه کسی
در گوش کسی ز عشق افسانه بگفت

(۶)

از حاشیه غروب ویران رفتند
شمشیر به کف بسی سواران رفتند

آن شهر و دریاچه آن حکایت آن عشق
از خاطره‌های روزگاران رفتند

(۷)

در حاشیه غروب شعری گفتم
جز خاموشی از کسی سخن نشنفتم

خندیدم و در باور و در غربت خود
ا روز ابد به خاک خامش خفتم

تا سال ۱۹۹۳ تسلیمه نسرین، نویسنده، مقاله نویس و شاعر فمینیست بنگلادشی در خارج از شبه قاره هند فردی ناشناخته بود. اما اوضاع هنگامیکه مسلمانان افراطی کشورش به رمان «شرم» او اعتراض کردند، بسرعت چرخید. او از طرف یک گروه افراطی به مرگ محکوم شد. دفاع پر حرارت او از حقوق زنان، انتقادات تند وی علیه سنتهای اسلامی و تبعیضات جنسی، زندگی او را در معرض مخاطره جدی قرار داد. نسرین در همان دوران به یکی از دوستانش نوشت «همه مالاها الان در خیابان هستند و پیوسته خواستار حکم مرگ من می باشند». در ماه ژوئن حکم بازداشت او از طرف دولت صادر شد و متعاقباً افراطیون مذهبی خواستار اعدام او شدند. و به موازات آن جایزه تعیین شده بر سر او، نسرین را وادار به اختفا کرد. در ماه اگوست، پس از مذاکراتی میان مشاور حقوقی نسرین، سفرای غربی و دولت بنگلادش، او در برابر بالاترین دادگاه بنگلادش ظاهر شد و با وجه ضمان آزاد شد، حکمی که مشخص بود از پیش تعیین شده است، نسرین اکنون رانده شده از داکا، در سوئد زندگی می کند. در این جا برگزیده‌هایی از مقاله‌ای که نسرین در مجله فمینیستی «متوش» به چاپ رسانده است را منتشر می کنیم.

- ضرب‌المثلی قدیمی می گوید: «مرد خوش شانس کسی است که زنش می میرد، مرد بدشانس آنست که گاوش می میرد». و این ضرب‌المثل همچنان در قرن بیست و یکم بقوت خودش باقی است. اگر زنت بمیرد می توانی زن دیگری بگیری. اما اگر گاو را از دست بدهی یک گاو مجانی گیرت نمی آید. برای یک گاو دیگر تو باید پول زیادی خرج کنی، حال آنکه زن جدید برایت پول نقد هم به همراه می آورد. تو می توانی نسبت به زنت بی خیال باشی، اما هرگز نباید نسبت به گاو اینطور رفتار کنی. تعجبی نیست که یک دام از یک همسر با ارزشتر است. این روزها یک دختر بنگلادشی با شش راس گاو قاچاقی که از هند وارد شده بود، معاوضه گشت. بسیاری از این خیر شوکه شدند. من صرفاً تعجب کردم. نمی توانم خوشحالی خود را پنهان کنم وقتی خبر یک سرنوشت خوب اما نادر معاوضه یک دختر با شش راس گاو را می شنوم. این یک خبر خوش است. زیرا آنکه شش راس گاو را می گیرد منفعتی بزرگ نصیبش می شود.

شش گاو توأمند اهل هند مطمئناً هم جذابتر هم پر خاصیت تر و هم پرارزش تر از یک دختر ریزه میزه بنگلادشی است. من فکر می کنم آنها که در عوض گاوها یک دختر را گرفتند، سرشان کلاه رفت. در جایی که زنها به دو شاهی نمی ارزند، آنها برآستی نسبت به زنان سخاوتمندی نشان دادند که شش راس گاو را برابر یک زن دانستند. جای آن دارد که احترام را نثار این گاودان کنم.

جامعه مردانه ما هیچ ارزشی برای زنان قائل

حماس علیه صلح

روز شنبه ۲۳ مهر اسامال سرباز اسرائیلی که یک هفته قبل توسط حماس ربوده شده بود، در جریان یک درگیری کشته شد. این درگیری بین یک واحد از سربازان ویژه اسرائیل و جنگجویان حماس صورت گرفت و در جریان آن علاوه بر سرباز اسرائیلی گروگان گرفته شده، سه تن از اعضای حماس نیز کشته شدند. هدف سازمان حماس از این عملیات، به شکست کشاندن مذاکرات صلح بین اسرائیل از یک طرف و فلسطینی‌ها و اعراب از طرف دیگر است. حماس همچنین می‌کوشد با انجام عملیات تروریستی، جریان راست افراطی در اسرائیل که مخالف روند صلح است را نیز تقویت کند. حماس در گذشته بخاطر مخالفتش با یاسر عرفات از طرف آمریکا، عربستان سعودی، اسرائیل و رژیم خمینی تقویت می‌شد. بسیاری از جنگجویان آن در افغانستان در عملیات نظامی شرکت کرده‌اند. حماس دارای مراکز علنی در کشورهای اروپا، آمریکا و بعضی از کشورهای عربی است. با آغاز مذاکرات صلح کشورهای عربی و به میزانی عربستان سعودی، از حماس فاصله گرفتند. اما رژیم جمهوری اسلامی رابطه خود را با این سازمان بنیادگرا هرچه مستحکم‌تر نمود. خبرگزاری فرانسه در گزارشی که در تاریخ ۲۴ مهر اسامال انتشار داد پیرامون حماس می‌نویسد: «حماس به معنی هیجان می‌باشد. این جنبش یک سازمان بنیادگرای اسلامی است که شدیداً مخالف روند صلح است. بازوی نظامی این جنبش عزالدین قسام یک جنگ بی‌رحمانه علیه اسرائیل با هدف برافراشته شدن پرچم اسلام بر اورشلیم را اعلام کرده است. این جنبش که از اخوان المسلمین در آمده و خواهان برچیده شدن اسرائیل و استقرار یک دولت اسلامی در تمامی سرزمین فلسطین است، در اوایل انتفاضه، در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۸۷ بنیانگذاری شد. ایدئولوژی این جنبش سازش با صهیونیست‌ها را مردود اعلام می‌کند و معتقد است که بای‌دادن مملکت به معنی بای‌دادن دین و ایمان خود است. اسانامه این جنبش بر پایه جهاد ریخته شده و اعلام می‌کند که هر یهودی یا هر مهاجر یهودی یک هدف است و باید کشته شود. عزالدین قسام که نام او بر شاخه نظامی حماس گذاشته شده، یک ملی‌گرای عرب بود که در نبرد با انگلیسی‌ها در سال ۱۹۳۵ کشته شد. حماس حملات خونینی طی سالهای گذشته علیه نظامیان و غیرنظامیان اسرائیلی انجام داده و تعداد زیادی فلسطینی که مظنون به همکاری با اسرائیل بودند را اعدام کرده است. حماس اساساً از مدارس و مساجد عضوگیری می‌کند و ۲ پایگاه اصلی آن در نوار غزه و شهر هبرون در

عرفات محکوم می‌کند

راديو اسرائیل در برنامه روز ۲۷ مهر خود می‌گوید: رهبر حکومت خودگردان فلسطینی آقای یاسر عرفات و همه سخنگویان آن، جنایت امروز تروریست‌های حماس در تل‌آویو را بشدت محکوم کردند و از خرابکاران مخالف صلح خواستند کشتار اسرائیلیان بی‌گناه را متوقف سازند. یاسر عرفات در بیانیه شدیدالحنی که در نوار غزه منتشر ساخت از حکومت اسلامی ایران بعنوان منبع اصلی تأمین کننده تروریست‌های حماس نام برد و گفت: حکومت اسلامی ایران و بنیادگرایان مسلمان در اردن با حمایت‌های همه جانبه خود از حماس در جنایت‌های آنان سهیم هستند. یاسر عرفات در بیانیه خود به دولت و ملت اسرائیل تسلیت گفت و افزود ملت واقعی فلسطین نیز این جنایات را که در آن بدن انسان‌های بی‌گناه قطعه قطعه می‌شود محکوم می‌داند. یاسر عرفات افزود حکومت خودگردانی برای تعقیب جنایتکاران آماده همکاری کامل با نیروهای اسرائیلی می‌باشد. یاسر عرفات هدف جنایتکاران را وارد کردن ضربه شدید بر پیکره روند صلح دانست و گفت در این وضع ما باید با تقویت روند صلح به افراطی‌ها پاسخ دهیم.....

جنوب غربی رود اردن است. بعضی از رهبران آن در ایالات متحده و در انگلستان مستقر و از آنجا برای سرزمین‌های اشغالی پول می‌فرستند. ایران عملاً از این سازمان بخصوص از جنبه مالی حمایت می‌کند. رهبر معنوی حماس شیخ احمدیاسین ۵۹ ساله از سال ۱۹۸۹ در زندان به سر می‌برد. وی در اکتبر ۱۹۹۱ توسط یک دادگاه صحرایی اسرائیل به جرم تحریک به خشونت و دست داشتن در قتل دو سرباز اسرائیلی به حبس ابد محکوم شد. آخرین عملیات حماس انفجار یک اتوبوس در قلب شهر تل‌آویو در روز ۲۷ مهر اسامال بود که ۲۶ کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی بجا گذاشت. این عمل تروریستی حماس موجی از نفرت و انزجار ایجاد کرد. کشتار مردم بی‌گناه و عملیات تروریستی حماس گرچه با محکومیت جهانی روبرو شد، اما خطر حماس بمشابه نیرویی که درصدد به شکست کشاندن روند صلح خاورمیانه است را باز هم برجسته‌تر نمود. بسیاری از محققین و مفسرین رسانه‌های خبری جهان به درستی در پشت عملیات حماس، رژیم آخوندی را قرار می‌دهند. طی ماه گذشته یاسر عرفات رئیس حکومت خودمختار فلسطین دوبار بطور صریح به رژیم جمهوری اسلامی بعنوان حامی تروریسم و دولتی که علیه مردم فلسطین حرکت می‌کند، حمله کرد. سیاست معاشات در قبال آخوندهای حاکم بر ایران، ابعاد فاجعه‌بارش را هر روز بیشتر از روز قبل نشان می‌دهد. این حقیقتی است که اکنون تعداد بیشتری بدان اعتراف می‌کنند.

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

۱۳۵۷/۸/۸ - اعتصاب چهل هزار کارگر ذوب‌آهن با خواست لغو حکومت نظامی در کارخانه

۱۳۵۷/۸/۱۳ - کشتار وحشیانه دانش آموزان و دانش جویان در دانشگاه تهران بدست مزدوران رژیم شاه

۱۳۵۷/۸/۱۴ - سقوط کابینه شریف امامی و تشکیل دولت نظامی ازهارای و آغاز اعتصاب کارکنان رادیو و تلویزیون

۱۳۵۷/۸/۱۶ - انجام تظاهرات بزرگ مردم ایران در سراسر کشور

۱۳۵۸/۸/۱۳ - اشغال سفارت امریکا توسط مزدوران رژیم خمینی موسوم به «دانشجویان خط امام»

۱۳۵۸/۸/۱۵ - سقوط کابینه مهندس بازرگان

۱۳۵۹/۸/۱۱ - اعلام ممنوعیت انتشار روزنامه‌های مجاهد، بازوی انقلاب و فریاد کودنشین توسط دادستانی ارتجاع

۱۳۵۹/۸/۱۳ - قتل عام روستائیان ایندراش توسط مزدوران خمینی

۱۳۶۲/۸/۱۷ - تصویب طرح «خودمختاری کردستان ایران» در شورای ملی مقاومت ایران خارجی :

روزهای خارجی: ۲۴ اکتبر - روز ملل متحد

۱۰ نوامبر - روز جهانی جوانان

۱۷ نوامبر - روز جهانی دانشجویان

۲۷ اکتبر ۱۴۹۲ - کریستف کلمب سواحل شرقی کوبا را کشف کرد

۱۸ نوامبر ۱۳۵۸ - مارتین لوتر موسس شاخه پروتستان در مسیحیت از طرف پاپ اعظم، لئودوم مورد تکفیر قرار گرفت.

۸ نوامبر ۱۸۹۵ - اشعه ایکس توسط دانشمند آلمانی ویلم کترادورتگن کشف شد. وی در سال ۱۹۰۱ به خاطر این کشف، اولین جایزه نوبل در فیزیک را دریافت کرد.

۷ نوامبر ۱۹۱۷ - پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه و ایجاد کشور اتحاد شوروی

۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ - اولین جنگ جهانی اول با امضاء پیمان متارکه پایان یافت.

۱۰ نوامبر ۱۹۴۵ - تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دموکرات

۲ نوامبر ۱۹۵۰ - درگذشت جرج برناردشاو نمایشنامه نویس و نویسنده بزرگ ایرلندی

۱ نوامبر ۱۹۵۴ - آغاز قیام مسلحانه مردم الجزایر علیه نیروهای اشغالگر فرانسوی

۲۴ اکتبر ۱۹۶۶ - روز استقلال جمهوری زامبیا

۱۱ نوامبر ۱۹۷۶ - پیروزی مردم انگولا بر استعمارگران پرتغالی و تاسیس جمهوری خلق انگولا

۲۶ اکتبر ۱۹۸۳ - تهاجم نظامی امریکا به گرانادا در دریای کارائیب

۲۴ اکتبر ۱۹۸۳ - انفجار دو بمب در قرارگاه‌های نیروهای امریکا و فرانسه در بیروت توسط بنیادگرایان اسلامی وابسته به رژیم جمهوری اسلامی . در اثر این انفجار ۱۹۳ امریکایی و ۲۳ فرانسوی کشته و ۷۵ امریکایی و ۱۵ فرانسوی زخمی شدند.

۳۱ اکتبر ۱۹۸۴ - ترور جنایتکارانه ایندیراگاندی نخست‌وزیر فقید هند

۴ نوامبر ۱۹۸۴ - برگزاری اولین انتخابات دموکراتیک عمومی در نیکاراگوئه و پیروزی جبهه ساندینیست در این انتخابات

NABARD_E_KHALGH
Organ of the
organization of Iranian People's
Fedaian Guerillas
 Executive Editor: Zinat Mirhashemi
 Published by:
 NABARD Cultural Association
 No : 113 23 Oct1994
 PRICE : 6 F Fr 1/7 DM 1 \$ US

Nabard	Nabard
B.P 20	Post fach 102001
91350 Grigny	50460 KOLN
cedex	GERMANY
FRANCE	
***	***
Hoviat	B.P 121
Post Restante	1061 Wien
Mimers Gade 118	AUSTRIA
2200 N_DANMARK	
***	***
Hoveyat	Nabard
P.O Box 1722	Casella Postale 307
Chantilly , VA	65100 Pescara
22022 U. S. A	ITALIA

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

حساب بانکی نبرد خلق

SOCIETE GENERAL	نام بانک:
BOULOGNE_S_SEIN	آدرس بان
FRANCE	
03760	کد گیشه:
00050097851	شماره حساب:
Mme.Tallat R.T	نام صاحب حساب:

با کمک‌های مالی خود
 سازمان را در انجام وظایف
 انقلابی یاری رسانید

ترس ولی فقیه از مردم

خامنه‌ای در روز ۲۰ مهر اسفند هنگامی که تعدادی از پرستاران با وی ملاقات کردند، حرفهایی زد که نشان دهنده وحشت و ترس او از مبارزه و مقاومتی است که اکنون به سراسر جامعه گسترش می‌یابد. خامنه‌ای می‌گوید: «تبلیغات گوناگون دشمنان به شکل‌های مختلف، انتقاد، انتقاد، یک چیز کوچک را کاهی رو کوهی کردن، یک مشکل کوچک را ده‌برابر بزرگ کردن، هی این رادیو بگوید اون رادیو بگوید، قلم به‌مزددهای داخلی خودمون هم متأسفانه اینهایی که با انقلاب پدرکشتگی دارند تو فلان مجله، تو فلان نشریه بنویسند، بعضی با شبنامه، بعضی با نشریات آشکار و مجاز تبلیغات کنند، پول بدهند به افراد که بروند در صف فلان جنس بایستند و یا فلان اتوبوس بایستند و بدگویی کنند. پول می‌دهند به بعضی‌ها، از این پولها هم خرج می‌کنند برای شایعه‌پراکنی، برای خراب کردن جو». حرفهای خامنه‌ای مثل حرفهای محمدرضا شاه است که می‌گفت ۵ تومان پول به پرتغال فروشها می‌دهند که تظاهرات کنند.

دارد که به بیست و پنج میلیون مورد سقط جنین منتهی می‌گردد. سالانه در سراسر دنیا دویست هزار زن در نتیجه عوارض ناشی از یک سقط جنین (از نظر پزشکی نامطمئن) جان می‌سپارند.

یکی از سوالاتی که می‌بایست در قاهره مطرح شود این است که ما در برابر این فاکت‌ها چه اقدامی خواهیم کرد؟ اگر مشاوره برای خانواده‌ها و امکانات بهداشتی برای مادر و کودک در دسترس‌تر باشند آنگاه هم‌زمان رشد جمعیت و تعداد سقط جنین نیز کاهش پیدا خواهد کرد. تصمیم‌گیری راجع به اینکه سقط جنین تحت چه چارچوبی قابل قبول است را می‌بایست در دولت خود با توجه به قوانین ملی‌اش اتخاذ نماید. اما احترام به استقلال ملی، در رابطه با این مسئله به معنای بی‌طرفی نیست. به سقط جنین نمی‌بایست بعنوان یک روش برای تنظیم خانواده نگریسته شود. با این وجود قانون اساسی آمریکا، حق هر زن برای انتخاب آزادانه را - با استثناء و محدودیت‌هایی - تضمین می‌نماید. اما ایالات متحده برای تصویب یک قانون بین‌المللی سقط جنین تلاش نخواهد کرد. راه موثر برای کاهش رشد جمعیت و تعداد سقط جنین یک طرح وسیع و استراتژیک جهانی که روشهای تنظیم خانواده و اطلاعات مربوط به حاملگی و همچنین بهداشت را در دسترس همه قرار دهد. این یک استراتژی‌ست که موجب پیشرفت اقتصادی مداوم شده، تعداد بیسوادان را کاهش

نه یک حق بین‌المللی برای سقط جنین بلکه فقط یک طرح وسیع تنظیم خانواده افزایش جمعیت را متوقف می‌کند.

فوکوس چاپ آلمان، نویسنده: البرت گر

تاریخ: ۵ سپتامبر ۹۴

مترجم: بابک

کنفرانس سازمان ملل در رابطه با جمعیت و پیشرفت، روشن خواهد کرد که کلیه ملت‌ها می‌بایست برای ثابت نمودن نرخ رشد جمعیت با یکدیگر همکاری نمایند. تدابیر متخذه برای تشکیل کنفرانس قاهره نیز بدلیل تفاهم همه جانبه بویژه جالب توجه بودند. تمام دولت‌ها اکنون متفق‌القولند که رشد جمعیت و پیشرفت مداوم اقتصادی مسائل مقدم می‌باشند.

زمانی که من نود ساله بشوم، جمعیت دنیا به هفت میلیارد نفر رسیده است، یک تحول عمیق. نتایج قابل پیش‌بینی رشدی اینگونه سریع می‌توانند ضرورت دست به عمل زدن را موجب شوند:

برای محیط زیست رشد سریع جمعیت اغلب موجب پایین نگه‌داشتن مداوم دستمزدها می‌شود. فقر و نابرابری اقتصادی باقی می‌ماند.

در خانواده، تحولات اقتصادی و اجتماعی میزان سرمایه‌گذاری روی کودکان را به عقب می‌راند، امری که بویژه به زیان دختران تمام می‌شود.

نتیجه افزایش جمعیت برای افراد، فرزند بیشتر، عدم امکانات بهداشتی و بیماری بیشتر است. میلیون‌ها زن و کودک چشم‌انداز دستیابی به اندکی رفاه را نیز از دست می‌دهند. فشار جمعیت امید به ثبات بین‌المللی را کاهش می‌دهد. البته نمیتوان گفت که فقط افزایش جمعیت موجب عدم ثبات یک جامعه می‌شود اما نام کشوری که بیشترین تراکم جمعیت در افریقا را در سال گذشته داشت، روانداست. و کشوری که بالاترین میزان رشد جمعیت را دارد سومالی‌ست.

دنیا باید وارد عمل شود. اما برای اینکه در قاهره حتماً به یک توافق برسیم، می‌بایست با یک مسئله که عمیقاً در دیدگاههای اخلاقی، فلسفی و مذهبی مختلف ریشه دارد یعنی سقط جنین با احتیاط خاصی برخورد نماییم. تقریباً هرکسی در این دنیا آرزو می‌کند که تعداد سقط جنین معدودتر شود. این امر هدف امریکاست. این هدف گروههای زنان و کلیسای کاتولیک است. اگر تنها تعداد کثیری از زنان مجبور به سقط جنین می‌شدند، آنگاه سقط جنین نیز کمتر می‌شد. اما امروزه چنین نیست. سالانه پنجاه میلیون مورد حاملگی ناخواسته وجود

می‌دهد، سلامتی زنان را تضمین می‌کند، به تقویت خانواده می‌انجامد، بر آموزش و تقویت نقش زنان متمرکز می‌شود و مرگ نوزادان را نقصان می‌دهد.

اخبار و رویدادها

اعتراض سینماگران ایرانی

رادپو فرانسه در برنامه روز ۱۳ مهر ۷۳ گفت: « شماری از سینماگران ایرانی در یک نامه سرگشاده، که روزنامه لیبراسیون نیز آن را چاپ کرده است، ضمن اعتراض شدید به اعمال سانسور در ایران، مسئولین بین‌المللی و برگزارکنندگان جشنواره‌های سینمایی در جهان را به کمک و حمایت از خود فرا خوانده‌اند. تنها یک پاراگراف از این نامه سرگشاده، شرایط ناهنجار فعالیت هنرمندان ایران را به خودی خود برملا می‌سازد. در این فصل از نامه سرگشاده سینماگران ایرانی می‌خوانیم که سرپرست بخش فیلم در بنیاد فارابی در ایران، که مسئولیت سانسور کردن فیلمها را بر عهده دارد، یک مرد نابیناست. به کلام دیگر، در این نامه تاکید شده است که بالاترین مقامی که حق صدور جواز نمایش فیلمها یا ممنوع کردن یا سانسور آنها را بر عهده دارد مرد نابینایی است که نه توانایی خواندن فیلم‌نامه‌ها و نه تماشای خود فیلم را دارد.»

گرونی سرسام‌آور از زبان مطبوعات رژیم

روزنامه سلام ۲۱ در شماره ۷۳/۷/۲۱ می‌نویسد: «در هفته منتهی به ۸ مهر ماه، بهای انواع مواد لبنی شدت افزایش یافت. بهای کره پاستوریزه تنها طی یک هفته ۱۶/۴ درصد افزایش یافت. براساس گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی، همچنین در هفته مورد گزارش، قیمت تخم مرغ شانه‌ای سه هزار تا سه هزار و پانصد ریال بود که ۵/۸ درصد ترقی نسبت به هفته قبل داشته است. در هفته مذکور بهای شیر خشک و پنیر ایرانی ۳۶/۱ درصد افزایش یافت. افزایش قیمت گروه میوه‌های تازه چشمگیر بود. ۷/۲ درصد برای سیب قرمز، ۸/۴ درصد برای خربزه و ۵/۷ درصد برای هندوانه، در گروه سبزیهای تازه نیز بهای گوجه فونگی، سیب زمینی، پیاز و لوبیا سبز بین ۵/۹ تا ۲۱/۴ درصد ترقی کرد. بهای آزاد روغن نباتی در زمان ذکر شده ۳ درصد ترقی یافت. بهای حلب ۴/۵ کیلویی روغن به ۲۰۴۰۷ ریال رسید.»

تخریب روستاهای کردستان ایران

رادپو اسرائیل در برنامه روز ۱۲ مهر امسال گفت: « حزب دمکرات کردستان ایران، امروز با انتشار بیانیه‌ای در پاریس اعلام کرد حکومت اسلامی پس از تخریب ۴ روستای کردنشین از توابع سردشت، در نظر دارد ۱۷ روستای دیگر مرزی از توابع بانه را تخریب کند. بنابراین گزارش فرماندار بانه اخیراً نمایندگان این ۱۷ روستا را احضار کرده و به آنها اخطار نموده که روستاها باید هر چه زودتر کاملاً تخلیه شوند. حزب دمکرات این اقدام را ادامه سیاستهای حکومت اسلامی برای تخریب و خالی از سکنه کردن مناطق مرزی کردنشین دانست.» خبرگزاری رویتر در تاریخ ۱۹ مهر از قول دفتر حزب دمکرات کردستان ایران در پاریس خبر داد که رژیم در نظر دارد ۵ روستای مرزی منطقه پیرانشهر را تخریب نماید.

سیمای بنیادگرایان اسلامی در الجزایر

- روز ۱۴ مهر ۷۳. رئیس کلپ جوانان، یکی از بزرگترین کلپ‌های فوتبال الجزایر در کبیل (حومه الجزیره) به قتل رسید.
- وزیر آموزش و پرورش الجزایر می‌گوید تندروهای اسلامی به عنوان بخشی از مبارزه وحشت‌آفرین خود ۶۰۰ مدرسه را طی هفته‌های اخیر آتش زدند. گروه افراطی اسلامی مسلح هشدار داده است اگر اصول بنیادگرایانه در مدارس الجزایر به اجرا گذاشته نشود، به مبارزه ادامه خواهد داد. (رادپو امریکا ۱۴/مهر/۷۳)
- یک مرد ۶۲ ساله فرانسوی بدست تروریست‌های الجزایر به قتل رسید. از آغاز عملیات تروریستی اسلامیون افراطی الجزایر طی ۱۹ ماه اخیر، وی نوزدهمین فرانسوی و شصت و سومین خارجی است که در الجزایر به قتل می‌رسد. قربانی امروز بنیادگرایان الجزایر، روژمل مدیریت فنی یک کارخانه مونتاژ تلویزیون را در حومه الجزیره بر عهده داشت. (رادپو فرانسه ۱۸/مهر/۷۳)

- جنبش فرهنگی بربر اعلام کرد ستاره موسیقی کابیل، لونس مطبوب، شامگاه روز ۱۸ مهر در نزدیکی تری‌اوزو (۱۱۰ کیلومتری شرق الجزیره) در محلی که ۱۵ روز پیش ربوده شده بود، آزاد شد. لونس مطبوب که یک فعال بربر و مخالف با تزه‌های اسلامی‌هاست در تا تاریخ ۲۵ سپتامبر (۳ مهر) توسط یک گروه کماندویی شامل ۲۰ مرد مسلح ربوده شد. چهار روز بعد از آن گروه اسلامی مسلح اعلام کرده بود که لونس «دشمن خط» توسط رزمندگان راه خدا دستگیر شده است. (خبرگزاری فرانسه ۱۸/مهر/۷۳)

- بنیادگرایان اسلامی در الجزایر سه اتومبیل را منفجر و یک بازرگان کره جنوبی را به قتل رساندند. منابع پلیس می‌گویند چهارمین بمب پیش از موقع منفجر شد و سه نفری را که در اتومبیل نشسته بودند، به قتل رساند. (رادپو امریکا ۲۰/مهر/۷۳)

- یک گزارشگر رادپو الجزایر امروز در شهر الجزیره به ضرب گلوله افراد ناشناس به قتل رسید. این نوزدهمین روزنامه‌نگاری است که از ماه مه ۱۹۹۳ میلادی تاکنون در ترورهای بیرحمانه الجزایر به قتل می‌رسد. (رادپو فرانسه ۲۴/مهر/۷۳)

- دو شهروند فرانسوی و ایتالیایی شب گذشته در الجزایر بدست اسلامیون مسلح این کشور کشته شدند. شهروند فرانسوی (فیلیپ پتر) ۳۶ ساله و شهروند ایتالیایی (مرودلانتلو) ۴۰ ساله در یک مرکز استخراج نفت واقع در ۴۱۰ کیلومتری شرق الجزیره به قتل رسیدند. (رادپو فرانسه ۲۷/مهر/۷۳)

جنایت بنیادگرایان در مصر

نجیب محفوظ نویسنده ۸۳ ساله مصری بعد از ظهر روز ۲۲ مهر ۷۳ در یکی از خیابانهای قاهره با ضربات کارد از ناحیه گردن مجروح شد و به بیمارستان منتقل گردید. رادپو فرانسه که خبر این اقدام جنایتکارانه بنیادگرایان اسلامی را در همان روز پخش نمود اعلام کرد که حال وی رضایت‌بخش توصیف شده است. نجیب محفوظ در سال ۱۹۸۸ جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد.



**در برابر تندر می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند**

**شهدای فدایی
آبان ماه**

رفقای فدایی :

سیروس سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری - فرد - رحیم خدادادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مهران محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت‌الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مرتضی فخرطباطبائی - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - عبدالله فیض الله بیگی - عمرصالحی - حسین مدیرشانه‌چی - محمدحسین خادمی از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط رژیمهای شاه و خینی بشهادت رسیده‌اند.

**برخی از رویدادهای تاریخی
آبان ماه**

داخلی:

۱۲۸۷/۸/۷ - اعتصاب کارگران کارخانه چرم سازی تبریز تحت رهبری سوسیال دموکراتهای تبریز
۱۲۹۲/۸/۲۵ - درگذشت سردار ملی ستارخان
۱۳۰۴/۸/۱۲ - ترور میرزا یحیی واعظ کیوانی (قزوینی) یکی از کمونیستهای ایران در مقابل مجلس در شرایطی که طرح لایحه خلع سلطنت قاجار در مجلس مطرح شده بود.
۱۳۲۲/۸/۱۷ - آغاز محاکمه دکتر محمد مصدق، رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت در بیدادگاههای رژیم شاه
۱۳۳۳/۸/۱۹ - اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق توسط مزدوران رژیم شاه
۱۳۳۳/۸/۷ - تصویب قرارداد رژیم شاه با کنسرسیوم بین المللی نفت به ابتکار پیرنورک استعمار، علی امینی
۱۳۳۳/۸/۸ - تیرباران دومین گروه از افسران مبارز ارتش وابسته به حزب توده
۱۳۳۸/۸/۱۵ - اعتصاب کارگران کارخانه شهناز اصفهان
۱۳۴۳/۸/۱۵ - تصویب قانون اعطاء مصونیت سیاسی به مستشاران امریکا (احیاء کابیتولاسیون) توسط مزدوران رژیم شاه در مجلس فرمایشی
۱۳۴۵/۸/۲۱ - سعید نفیسی یکی از نویسندگان و محققین برجسته ایران در سن ۷۱ سالگی درگذشت.
۱۳۵۷/۸/۳ - آزادی بیش از ۱۰۰۰ نفر از زندانیان سیاسی
۱۳۵۷/۸/۶ - آغاز «هفته همبستگی» توسط دانشجویان دانشگاه تهران

بقیه در صفحه ۱۰